

ترجمه فارسی قرآن مجید

بمنقل از قرآن مترجم مورخ ۵۵۶

از نفایس کتابخانه آستان قدس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال بین‌المللی علوم انسانی (۲)

محمدجعفر یاحقی

سورة النسا مائة وسبعون وخمس آیه

بنام خداوند روزی ده وبخشاینده

- ۱ - ای مردمان بترسید ز خداوندتان آن خدای که بیافرید شما را از تنی یگانه یعنی آدم ، و بیافرید از آن تن حوا را ، و بیافریدست از هر دو مردانی بسیار و زنانی .
- ۲ - و بترسید از خدای تعالی انک پیونددی بدان و خویشاوندان، بدرستی کی خدای هست و شما نگاه بانست .
- ۲ - و ادهی یتیمانرا خواستهایشان و مکنی بدل شما بحرام حلال را، و مه خوری مالها، ایشان و امال خویش ک خوردن ان بود بزه بزرگ .
- ۳ - و اگر ترسی شما ک نتوانی عدل کردن دو مال یتیمان ، بزنی کنید انچ حلالست شمارا از زنان دو یاسه و یا چهار ، اگر ترسی شما ک نتوانی عدل کردن میان چهار زن ، يك زن را بزنی کنی و چندانک خواهی بخری کنیزکان را ، ان يك زن بزنی کردن نزدیک ترست بدان ک ورنکنی .
- ۴ - و بدهی زنان را کاوین زنان شان کی حلالست ، اگر بدهند زنان شما کاوین از چیزی ازوتنی را ، بخوری ان گوارنده و شفاست .
- ۵ - و امدھی شان و اکودکان مالها خویش ان ک کرد خدای تعالی شما راقیمی و نفقه کنی ایشانرا ز مال و جامه کنی ایشانرا و گوید ایشانرا گفتاری نیکو .
- ۶ - و بیازمای عقول یتیمان را تا انگاه کی چون برسند ببلاغت نکاح،

اگر یاری شما از ایشان نگاه داشتن مال ، و ادهید و ایشان مال ایشان ، و مه خورید انرا باسراف شتاب انرا کوارسند بزرگی ، و هر ک بود وصی بی نیاز بپرخیز دست بردن و امال ایشان و هر ک بود محتاج بخور تا بمعروف ، چون و ادهی و ایتیمان ایشان مال ایشان گواه ورگیری و ایشان ، و بسند نیست بخدای تعالی کی گوا هست .

۷- مردان را نصیبی است از انچ بازماند [۵۹] ز مادر و پدر و خویشاوندان ، و مرزنان را نصیبی بود از انچ بازماند ز مادر و پدر و خویشاوندان از اندک ان و بسیاران نصیبی معلومست .

۸- و چون حاضر آیند بموضع قسمت خداوند خویشاوندان و یتیمان و درویشان چیزی کدهی ایشانرا از و گویند ایشانرا گفتاری نیکو .

۹- و بترسیا ان کسانی ک بازماند ترکت از پس ایشان و فرزندان ک بیمار می ترسند و ایشان ، و بترسید از خدای و گوید گفتاری بعدل .
۱۰- بدرستی کی کسانی می بخورند مالها یتیمان بظلم از بهر انک می خورند در شکمهاشان اتشی ، و زود آرند ایشانرا بدوزخ .

۱۱- پدید می کند شمارا خدای در فرزندان شما پسر را مثل نصیب دوچندان ک دخترا ، اگر بود دختر بیشتر ازدو ، ایشانرا دوبرخ بود از ترکت ، و اگر بود دختر یکی ، او را از ان میراث نمی بود ، و پدر را و مادر را هر یکی از ایشان شش یکی بود از انچ ترکت بود ، اگر بود او را فرزندی . و اگر نباشد او را فرزندی و میراث یاود پدر و مادر ، مر مادر را سیکی بود . اگر بود او را خواهری مر مادرش را دانگی بود از پس وصیتی و وصیت کرده بود بدان یادینی ، پدران شما و پسران شما ، ندانی شما ک کدام نزدیک تر شما را نافع تر ، فریضه است از خدای تعالی . بدرستی ک خدای تعالی

هست دانا و درست کار .

۱۲ - و شما راست يك نيمه از تركت زنان شما ، اگر نبود ايشانرا فرزندی . اگر بود ايشانرا فرزندی ، شما را بود چهاريك از تركت ايشان از پس وصیتی کی وصیت کرده بود انرا یا دینی . و ايشانرا چهاريك بود از تركت شما ، اگر نباشد شما را فرزندی . اگر بود شما را فرزندی ايشانرا بود هشت يك از تركت شما از پس وصیتی کی وصیت کرده بود انرا یا دینی . [۶۰] و اگر بود مردی متوفایازنی و كلاله ان بود ك مادر و پدر نبود وزن نیز متوفا بود و او را برادری یا خواهری بود هم مادر ، هر یکی را از ایشان دانگی بود . و اگر بود برادران و خواهران بیشتر از این ، ايشان شريك باشند درسيك از پس وصیتی کی کرده بود بدان یا دینی بود بی ضرری کی بر ورثه بود و جور نبود از خدای . و خدای تعالی داناست و بردبار .

۱۳ - این قسمت و میراث احكام خدای است . و هر ك طاعت دارد خدای را و رسول او را ، درارند او را در بهشتهاء کی می رود از زیران جزو بها جاوید باشند اندر انجا . و انست یافتنی بزرگ .

۱۴ - و هر ك عاصی شود از خدای تعالی و رسول او و از حدهای خدای درگذرد ، درارند او را دراتشی جاودان بود در انجا . و او را بود عذابی خوار کننده .

۱۵ - و ان زنانی ك بیایند از زنان شما بزنا كردن از زنان شما گواه گیرید و رایشان چهارگواه از شما ، اگر گواهی دهند و اداری ايشانرا اندر خانها تا نگاه کی بیایدشان مرگ یا کند خدای تعالی ايشانرا رها .

۱۶ - و هرگاه کی دوبیایند بزنا از شما ، تعمیر کنی هر دو را بزبان . اگر توبه کنند و اصلاح آیند بر گردید از ایشان . بدرستی کی خدای تعالی

هست توبه پذیرنده و بخشاینده .

۱۷- از بهرانك قبول توبه بر خدای است ان كسها ك كندگناه بجاهلیت پس توبه كنند پیش از مرگ ، ایشانند ك درگذارد خدای تعالی و ایشان هست خدای تعالی دانا و درست كار .

۱۸- و نپذیرد خدای توبه از ان كسها ك كندگناه، تا ك چون آید بایشان یکی مرگ نگاه گوید ك من توبه كردم ، ان منافقان باشند . و نه نیز ان كسانی ك بمیرند و ایشان كافر باشند . ایشانند ك ساخته ایم ایشانرا عذابى دردناك .

۱۹- ای كسانی ك مومنانید نیست حلال شمارا ك میراث گیرید زنان پدر خویش را بكره ، و امدا رید زنان پدر خویش تا ببری برخی از انچ كاوین ایشان بود مگر ك ایند بزنا كردن و گواه گواهی دهد، و عشرت كنى با زنان (۶۱) بنيكوى . اگر كراهیت داری صحبت و ایشان ، بو ك كى شما بكراهیت داری چیزی و كند خدای در ان خیری بسیار .

۲۰- و اگر خواهی ك شما بدل كنى زنى را بجایگاه زنى دیگر و بداده باشی كاوین ایشان قنطاری و امستانى هیچ از ایشان چیزی . و اگیری حرام و آنچه واجب آید و ران بزه بزرگ .

۲۱- و چگونه گیرید كاوین ایشان و رفته بود میان ایشان بمباشرت و گرفته باشند از شما میثاقی غلیظ ؟

۲۲- و مكنى بزنى زنان پدران شما از زنان مگر انك گذشته از شما، ك بود بزنى كردن زن پدر زنا بود و دشمنى و بدراهیست .

۲۳- حرام كرد بر شما بزنى كردن مادران تان و دختران شما و حرام كرد خواهران شما و حرام كرد بزنى كردن عماتان و حرام كرد دخالات تان و دختران برادر تان و دختران خواهر تان و حرام كرد مادران تان از بهر شیر-

خوارگی شما و خواهران شما از طریق هم شیرگی ، و حرام کرد مادر زنان شما و حرام کرد و شما ان زن که صحبت کرده باشی شما بامادران شان یانشست و خاست کرده باشی ، چون نکرده باشی نشست خاست کرده باشی و صحبت ، نیست بزه و شما و حلال نیست زنان پسران تان آنکسها که از اصلاب شما باشند ، و حرامست بزنی کردن دو خواهر بیکجا مگر آنک بمیرد . بدرستی کی خدای هست امر زنده و بخشاینده .

۲۴- و حرامست بزنی کردن زنانی کی شوهر دارند مگر آنک آورده باشی زکافران باسیری . انچ یاد کردیم خدای تعالی و شما نبشتست و حلال کرد شمارا انچ جز اینست شمارا که بجوید بعال خویش کنیزکان و حلال است زنانی جز ازین بتزویج نه بزنا ، انچ بزنی کنی ز زنان شما بدان ازیشان بدهیدشان کاوین ایشان چند آنک نام برده باشی و نیست بزه بر شما از انچ رضا دهید و ببخشی ز کاوین از پس آنک نام برده باشی ، بدرستی کی خدای تعالی هست [۶۲] دانا و درست کار .

۲۵- و هر که نیاورد از شما کاوین که بزنی کنی کنیزکی مومنه ، و از انچ بزنی کند بندهی مومنه از کنیزکان شما مومنه . و خدای تعالی دانانترست بایمان شما . برخی از شما از دیگر برخ ، بزنی کنی کنیزکان را باذن خداوندشان و بدهی کاوین ایشان بنیکوی در حال پارساء نه در حال زنا ، و مگیری ایشانرا بدوست در سر وی نکاح چون مسلمان باشند چون بیابند بزنا کردن بریشانست از حد زنا نیمه ، از انچ بر ازادان است از عذاب رجم ، تزویج بندگان حلال ، اتر است کی بترسد ز زنا و نیاود کاوین از شما . و اگر صبر کنید ز تزویج بندگان بهتر بود شمارا . و خدای تعالی امر زنده و بخشاینده .

۲۶- می خواهد خدای تعالی که پدید کند شمارا و پدید کند شمارا بستها

ان کسها که از پیش شما بودند و توبه نهدور شما و خدای تعالی داناست و درست کار .

۲۷- و خدای تعالی خواهد که در گذاردور شما . می خواهد ان کسها که جهودانند کی متابعت کنند شهوت را که بخطا آرند شما را خطاء بزرگ .
۲۸- می خواهد خدای تعالی که آسان کند ور شما و افریدست فرزندانم راضعیفی .

۲۹- ای ان کسها که مومنانید مه خورید خواسته شما یک دیگر بیاطل مگر که باشد بیعی میان شما از رضا دادنی از شما و مه کشید یک دیگر را بدرستی کی خدای تعالی هست بشما بخشاینده است .
۳۰- و هر که کند یعنی مال یک دیگر خورد بحرام و خون دیگر کس بریزد بظلم در گذشته بود ، زود بود فرو آریم او را بدوزخ و هست این برخدای تعالی آسان .

۳۱- اگر پرخیزید از کبایر آنچه نهی کردستند شما را ازان ، کفارت کنیم از شما زشتیها شما و فرو آریم شما را فرو آوردنی نیکو .
۳۲- و مکنی تمنی آنچه فضل دادست خدای تعالی بدان برخی از شما و دیگر برخ ، مردان را نصیبی است از آنچه کردارشانست و زنان را است نصیبی از آنچه [۶۳] کردارشانست . و بخواهی از خدای تعالی از فضل او ، بدرستی کی خدای تعالی هست بهمه چیزی داناست .

۳۳- و هر یکی از شما پدیدار کردیم وارثان را از آنچه دست بدارند پدر و مادرشان و خویشاوندان ، وان کسها که خوردستی سوگند شما بدهی ایشانرا نصیب ایشان ، بدرستی کی خدای هست و رهمه چیزی گواه .

۳۴- مردان را خدای تعالی مسلط کرد و رزنان بدانچه فضل داد خدای تعالی برخی را از ایشان و در دیگر برخ و بدانچه نفعه کنند از خواسته شان . و

زنان پارسان اند مطیعان اند نگاه دارند ز شوهران غیبت بدانچ نگاه دارد خدای تعالی وان زناتی که عصیان ایشان دانی شما ز شوهران شان پند دهیدشان و بگردانی زیشان در وقت خفتن روی را و بزنی ایشانرا تا و اصلاح آیند ، اگر طاعت دارند شمارا مجوید و ایشان راه بهانه ، بدرستی کی خدای تعالی هست بزرگ و بزرگوار .

۳۵- واگردانی شما خلاف میان شوهر و زن ، بفرستی خویشان راتا میانجی کند از خویش وی و میانجی کند از خویشان زن که خواهد خدای که سازگاری ارد چون صلاح خواهد خدای میان ایشان که خدای هست دانا و آگاه بحال بندگان .

۳۶- و پرستید خدای را و مه گیری هنباز با خدای چیزی را و با پدر و مادر نیکوی کنید و نیکوی کنی با خویشاوندان و یتیمان و درویشان و نیکوی کنی همسایگان نزدیک و همسایه دور و نیکوی کنی بایاران در سفر و راه گذریان را و نیکوی دارید بندگان خویش را ، بدرستی کی خدای دوست ندارد ان کس که بود حیلت کن و درگفتن لاف زند .

۳۷- ان کسها که بخیلی کردند ز جهودان و بفرمودند مردمان را ببخل و پنهان بکردند صفت محمدانچ داده بود ایشانرا خدای از فضل خویش ، و ساخته ایم ما ممر کافران را عذابی خوارکننده .

۳۸- وان کسها که نفقه کنند خواسته شان بریاء مردمان و نیارند ایمان بخدای تعالی و نه بروز رستخیز ، و هر که بود شیطان اورایاری بد- [۶۴] قرینی است .

۳۹- و نبود برایشان چیزی اگر ایمان آورند بخدای و بروز رستخیز،

و نفقه کنید از آنچه روزی کرد ایشانرا خدای و بود خدای بایشان دانا .

۴- بدرستی کی خدای نکند ظلم مثقال ذره، و اگر بود مومن رانیکو،

زیادت کند اترا و بدهد از نزدیک خویش مزدی بزرگ .

۴۱- چون بود حال شما چون بیاید بما از هرامتی پیغامبرشان بگواهی

و بیای تو کی محمدی و راین امت بگواهی .

۴۲- ان روز تمنی کند انها که کافر شدند و عاصی شدند در رسول که راست

کنند بایشان زمین و بگردندی پنهان ز خدای تعالی هیچ حدیث .

۴۳- ای کسانی که مومنانید مگردی پیرامون نماز و شما مست باشی تا

انگاه کی دانی که چه می گوید و نه که جنب باشی گرد مزگت مگردی مگر کی درو

گذر کنی تا انگاه که سر بشوری . و اگر باشید بیمار یا ورسفر باشی اگر اید

یکی را از شما از طهارت یا برمجیده باشی زنان را و نیاوی شما اب را،

تیمم کنید به خاکی پاکیزه مسح بر ... و رویهایتان و دسهاتان . بدرستی کی

خدای بود در گذارنده امر زنده .

۴۴- نه بینی یا محمد ان کسها که دادندشان نصیبی از توریخت اختیار

می کنند گم راهی را و می خواهند کی شمارا گم راه کنند .

۴۵- و خدای تعالی دانا ترست بدشمنان شما، و بسندست بخدای دوستی

و بسندست بخدای نصرت کننده .

۴۶- از ان کسانی که جهودند کس است که بگرداند سخنان خدای را از

موضع خویش ، و می گویند بشنودیم و عاصی شدیم و می گویند بشنو ، مشنو

تو و می گویند را عنا می بگرداند زوانها، خویش و طعنه می زنند در دین . و اگر

ایشان گفتندی بشنودیم ما و مطیع شدیم و بشنو و نظر کن ، مارا بودی بهتر

ایشانرا و صواب تر و لکن نفرین کردست خدای بکفر ایشان . نیاورند ایمان

مگر اندکی .

- ۴۷- ای کسانی که دادندشان توریت ایمان آری بمحمد بدانچ [۶۵]
فرستادیم موافق انچ واشماست ازپیش انک بگردانیم رویهاتان رابگردانیم
ورقفا یا مسح کنیم ایشانرا چنانک مسح کردیم گروهان شنبه را بماهی گرفتن
وبودنی است امرخدای بودنی است .
- ۴۸- بدرستی کی خدای نیامرزد که شرک ارد بدان وبیامرزد انچ دون
شرک بود انراکی خواهد . وهر که شرک ارد بخدای ، حقیقت دروغ گفته بود
بزه بزرگ . **والله اعلم بالصواب** بدرسه فیضیه قم
- ۴۹- نه بینی یا محمد واین جهودان کی ویزارکنند خویشان رازگناه،
بل که خدای ویزارکند انرا کی خواهد و تقصان نکنند ثواب مومنان
۵۰- بنگر یا محمد کی چون دروغ می گویند ورخدای دروغ گفتنی ، و
بسندست بدان بزه روشن .
- ۵۱- نه بینی یا محمد وازان کسها که دادندشان نصیبی ازتوریت ایمان
اورند بکعب و بیت ، ومی گویند مران کسانی که کافر شدند کی این مکیان راه
یافته از انها که مومنانند راهی .
- ۵۲- ایشانند ان کسها که نفرین کردشان خدای ، وهر که نفرین کرد
خدای نیاد اونصرت کننده .
- ۵۳- اگر ایشانرا بدی نصیبی ازملك چون ندهندی کس را چند پونست
خرمء .
- ۵۴- بل که می حسد کنند جهودان ورا انچ دادندشان خدای از فضل
خویش ، حقیقت دادیم ماداود وسایمن و ابرهیم را کتاب و حکمت و بدادیم
ایشانرا ملکی بزرگ .

- ۵۵- از ایشان کس است کی ایمان ارد بدان و از ایشان کس است کی بگرداند از او ، و بسندست بعقوبتشان دوزخ .
- ۵۶- بدرستی که آن کسانی که کافر شدند بایتهمازود بود که دراریمشان باتش هرگاه که بسوزد پوست ایشان بدل کنیم ما ایشانرا پوستی دیگر تا میچشدن عذابرا ، بدرستی کی خدای هست عزیزکننده و درست کار .
- ۵۷- وانها که مومنانند و کنند نیکیها زود درارندشان بهبستی که می رود از زیر ان جویها جاوید باشنم در ایچا وزنایی پاکیزه از حیض و در ارندشان بسایه از سایه .
- ۵۸- بدرستی که خدای می فرماید شمارا کی و ادهی امانتها و اخداوند- ان و چون حکم کنید شمامیان مردمان حکمی بعدل ، بدرستی که خدای نیک پندی می دهد شمارا . بدرستی کی خدای هست اشنواوینا .
- ۵۹- ای کسانی که مومنانید فرمان برید خدای را و فرمان بریدرسول را و خداوندان فرمان از شما ، اگر نمازعت افتد شمارا در چیزی عرضه کنیدوا کتاب خدا ، و سنت رسول اگر شما هستید گرویدگان بخدای تعالی و بروز رستخیز ، ان بهتر [۶۶] و نیکوتر عاقبتش .
- ۶۰- نه بینی ان کسها که می گویند ایشان ایمان آوردیم بدانچ فرستادند بتو یا محمد و بدانچ فرستادند از پیش تو ؟ می خواهند کی حکم کردنشان بیش بت برند . و حقیقت می فرمایند که کافر شوی بدان و می خواهد دیو که گمراه کند ایشانرا گمراهی دور .
- ۶۱- و چون گویند ایشانرا بیایید بدانچ فرستادست خدای تعالی و بسزد رسول او بینی یا محمد منافقانرا و برگردیدند از تو یا محمد گرد بدنی .
- ۶۲- حالشان چگونه بود چون رسد ایشانرا مصیبتی بدانچ کرده اند

ایشان پس بیایند بتو یا محمد و سوگند خورند بخدای که نخواهیم ما مگر نیکوی و صواب .

۶۳- ایشانند ان کسانی که دانند کی خدای داند آنچه در دلها ایشانست و رگرد از ایشان و پند ده ایشانرا و بگو یا محمد ایشانرا اندر تنهاشان گفتاری درست .

۶۴- و نه فرستادیم ماهیچ رسولی مگر طاعت او دارند با امر خدای تعالی . و اگر ایشان چون ظلم کنند و رتنهای خویش ، ایند بتو یا محمد امرزش خواهند ز خدای تعالی و امرزش خواهند ایشان از رسول یابوند خدای را در گذارنده و بخشاینده .

۶۵- نه بخدای تو یا محمد کی نیاورند ایمان تا نگاه حاکم دارند ترا در آنچه خلاف کنند میان خویش پس نیابوند اندر دلها خویش شکی از آنچه تو حکم کنی و گردن نهند ترا گردن نهادنی .

۶۶- و اگر ما واجب کنیم و رایشان که بکشی تنها خویش را یا بیرون شوی از سراها ، خویش نه کنند انرا مگر اندکی از ایشان . و اگر ایشان بکنند آنچه فرمودستند ایشانرا بدان بود بهتر ایشانرا و بحقیقت بیشتر بود .

۶۷- و چون بدهیم ایشانرا از نزدیک خویش مزدی بزرگه .
۶۸- و نماییم راهشان راهی راست .

۶۹- و هر که فرمان برد خدای را و رسول را ، ایشانند کی و ان کسها باشند [۶۷] نعمت نهاد خدای و رایشان از پیغامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو بود ایشان که موافقت کنند .

۷۰- ان فضلی است از خدای تعالی و بسندست بخدای دانا .

۷۱- ای کسانی که مومنانید گیرید حدیث خویش تان بیرون شوید بپراکنده

بجمله .

۷۲- ویدرستی کی از شما کس است کی وایستد از جهاد اگر رسد شما را مصیبتی ، گوید حقیقت نعمت نهاد خدای ورمن چون نبودمی وایشان حاضرء .

۷۳- واگر رسد شما فضلی از خدای تعالی گویند کی نه باشد میان شما و میان او دوستی کاشکی بودمی وایشان تاغنیمت یافتمی غنیمتی بزرگء .
 ۷۴- حرب کنند اندر سبیل خدای ان کسانی ک بخیریدند زندگانی این جهان بدان جهان ، و هر ک حرب کند در سبیل خدای اگر بکشند اگر او بکشد ، زود بود ک بدهند مزدی بزرگ .

۷۵- چه رسیدست شمارا ک حرب نکنی در سبیل خدای تعالی ؟ و درویشان ضعیفان از مردان و زنان و کودکان ان کسانی ک گویند بار خدای ما بیرون بر ما را از این دیه یعنی مکه ظالمند اهل این مکه ، و بده مارا از نزدیک تو یاری دهی ، و بده مارا از نزدیک تو یاری دهی .

۷۶- ان کسانی ک مومنانند حرب کنند اندر سبیل خدای تعالی وان کسانی کی کافر شدند حرب کنند در سبیل بتان را . حرب کنید و یاران شیطان ، بدرستی کی کید شیطان بود ضعیف .

۷۷- نه بینی یا محمد و از ان کسانی ک گویند ایشانرا کی نگاه داری دستتان ز حرب و پیا داری نمازرا و بدهید زکوة را ؟ چون نوشتند و رایشان حرب کردن و اکافران چون گروهی از ایشان بترسیدند ز کافران چنانک بترسیدند ز خدای تعالی بل ک سخت تر ترسیدند ، [۶۸] و گفتند بار خدای ما چرا نبشتند و در ما قتال چرا عفو بکردی مارا ز حرب تا بوقت مرگه ؟ بگو یا محمد کی متاع این جهان اندک است ، و آخرت بهتر انرا ک بپر خیزد و نیارند نقصان ثواب ایشان .

۷۸- هر جا کی باشید دریاود شمارا مرگه واگر چه باشید اندر کوشکها

افراشته و اگر جهودان را رسد فراخی و باران ، گویند این از نزدیک خدای است و اگر رسد ایشانرا تنگی و قحط گویند این از نزدیک توست شومی ، بگو یا محمد که همه از نزدیک خدای است . چه رسیدست جهودان را که نمی دانند و در نیابند سخن خدای تعالی ؟

۷۹- آنچه رسد ترا یا محمد از فراخ ساله ، از خدای است و آنچه رسد ترا یا محمد از تنگ ساله ، از قبل گناه توست و فرستادیم ماترا یا محمد بمردمان رسولی و بسندست ترا بخدای تعالی کی گواه توست .

۸۰- هر که طاعت دارد رسول را ، حقیقت طاعت دارد خدای را . و هر که ورگردد و ترا طاعت ندارد ما فرستادیم ترا یا محمد و ایشان بنگاه بانی .

۸۱- و می گویند فرمان تو طاعتست . چون بیرون شند از نزدیک تو بگردانند گروهی از ایشان وی انک تو گفته باشی و خدای نگاه می دارد سخن تو . و ورگردد از ایشان و توکل و رخدای کن . و بسندست بخدای نگاه بانی .

۸۲- می نکنند تفکر در قران . و اگر نبودی قران از نزدیک خدای تعالی یافتندی اندر و اختلاف بسیار .

۸۳- و چون بیاید ایشان کاری از کشتن یا از ترس ، اشکارا کنند انرا و اگر فرو گذاشتندی تا رسول بگوید و با خداوند ان فرمان از ایشان بداندی ان کسها که از استنباطان بهتر از ایشان و اگر نه فضل خدای تعالی بودی و ر شما و رحمت او متابعتان کردی دیورا مگر اندکی .

۸۴- جهاد کن در سبیل خدای تعالی کی نفرمودستند فریضه مگر ترا و بیفزول در جهاد مومنان را ، بو که خدای تعالی کفایت کند [۶۹] شدت ان کسانی که کافر شدند و خدای تعالی سخت عقوبتست و سخت عذاب .

۸۵- هر که شفاعت کند شفاعت کردنی نیکو ، باشد او را نصیبی نیکو . از

ان . وهر کشفاعت کند شفاعت کردنی بد ، باشد اورا عقوبت ازان وهست
خدای ورهمه چیزی نگاهبان .

۸۶- وچون سلام کنند شمارا سلام کردنی جوابدهی بنیکوتر ازان یا
هم چنان ، بدرستی کی خدای بود ورهمه چیزی نگاهبان .

۸۷- خدای است که نیست خدای مگراو ، گردتان ارد شمارا درروز
قیامت نیست شکی درو . وکراست راست تر خدای حدیثی ؟

۸۸- چه رسیدست شمارا درمنافقان ک دوگروه شدی و خدای تعالی
رد کردست ایشانرا بدانچ کرده اند ، می خواهی که راه نماء انکس کی گم راه
کرد خدای ؟ وهر ک گم راه کرد خدای ، نیاوداوراهی .

۸۹- می خواهند کافران ک کافرشوی شما چنانک کافرشدند تا باشید
برابر وامگیرید ازایشان دوستی تا نگاه کی هجرت کنند اندر سیل خدای
تعالی . اگر ورگردند بگیری ایشانرا ؛ وبکشی ایشانرا هر جا ک یای ایشانرا .
ومه گیرید ازیشان بدوستی ونه بیاری .

۹۰- مگر کسانکی ک بییونند باگروهی میان شماومیان ایشان میثاقی یا
ایند پشما تنگ دل شده ایشان اگر حرب کنند واشما یاخرب کنند و اقوم
ایشان ، واگر خواستی خدای تعالی مسلط کردی ایشانرا ورشما حرب
کردندی واشما ، اگر جداشدند زشما ونه کردند حرب واشماو بیوکنندند با
شما صالح ، نه کردست خدای شمارا ورایشان راهی .

۹۱- زودیاوی دیگران را می خواهند ک ایمن باشند در میان شماوایمن
باشند در قوم خویش . هرگاه ک واخوانندشان واشرك ، درشوند در شرك
اگر نشند جدا از شما وصالح نکردند واشما صالح کردن وفرو نداشتند حرب
کردن ، شما بگیری شان [۷۰] وبکشی ایشانرا هر جا ک یای ایشانرا . وشما
را کردست شمارا ورایشان حجتی روشن .

۹۲- و نه بود مرمومن را که بکشد مومنی را مگر کی بخطا کشد . و هر که بکشد مومنی را بخطا بنده ازاد کند مومن ودیتی تمام بسپارد باولیای کشته مگر که عفوکنند . و اگر بود ازگروهی کی دشمن باشند شمارا یعنی درحرب و اومومن بود ، ازاد کند بنده مومن ودیت نیست . و اگر بود ازگروهی میان شما ومیان ایشان عهدی بود ، دیتی تمام واجب بود با خداوند ان کشته و ازاد کند بنده مومن . هر که بنده نیارد ، روزه دارد دوماه پیوسته توبه است از خدای تعالی وهست خدای دانا و درست کار .

۹۳- و هر که بکشد مومنی را بعمد جزا او دوزخ است جاوید بود در انجا و خشم خدای تعالی ورا و بود ولعتت . و ساخته اند اورا عذاب بزرگ .

۹۴- ای کسانی کی مومنانید چون بیوید درسفر اندرسبیل خدای ، فروایستی ومه گوید وانك کند شمارا سلام کی نهاء مومن می بجوی متاع زندگانی این جهان بنزدیک خدای است غنیمتها بسیاری ، هم چنین کافر بودی شمارا پیش منت نهاد خدای و رشما فروایستی ، بدرستی کی خدای هست بدانچ کنیداگاه .

۹۵- راست نباشند نشستگان از مومنان بی انك ضرری بود و جهاد کنندگان درسبیل خدای تعالی بخواسته خویش وبتنهاء فضله داد خدای تعالی جهاد کنندگانرا بخواسته شان وبتنهاء خویش ورنشستگان درجتهاء . وهمه را وعده کردست خدای بنیکوه و نضله داد خدای تعالی مجاهدانرا ورنشستگان مزدی بزرگ .

۹۶- درجتها بسیار از خدای تعالی وامرزشی ورحمتی مجاهدان را . وهست خدای تعالی امرزنده و بخشاینده .

۹۷- بدرستی کی کسانی که جانشان ورگیرند فریشتگان و ظلم کرده باشند

[۷۱] تنهای خویش گفتند ایشانرا درجت بودی شما ؟ گفتند منافقان : که بودیم ضعیفان اندر مکه . گفتند فریشتگان که نه باشد زمین خدای تعالی فراخی هجرت نکردی بمدینه ، ایشانند که ماوای ایشان دوزخ است و بد جایگاهی است دوزخ .

۹۸- مگر ضعیفان مسلمانان از مردان و زنان و کودکان نتوانند حیلتی و نیاوند بمدینه راهی .

۹۹- ایشانند که بو که خدای تعالی در گذارد از ایشان، وهست خدای تعالی در گذارنده و امرزنده .

۱۰۰- وهر که هجرت کند در سبیل خدای تعالی راه یابد در زمین چنانک طلب کند بسیاری و فراخی و هر که بیرون آید از خانه خویش به هجرت بخدای تعالی و رسول او پس در یابد او را مرگ ، حقیقت افتد مزدا و ور خدای تعالی وهست خدای تعالی امرزنده و بخشاینده .

۱۰۱- و چون بروید بسفر شما اندر زمین نیست و رشما بزه که کم کنید از نماز اگر ترسی شما که بکشند شما را ان کسانی که کافر شدند بدرستی کی کافران هستند شما را دشمنی روشن .

۱۰۲- و چون باشی در میان منافقان امامی کنی ایشانرا در نماز و رخیزی گروهی از ایشان و اتو ور گیرند سلاح خویش ، چون نماز کنید گردند ایشان و امصاف و بیایند بتو طایفتی دیگر کی نکرده باشند نماز ، نماز کنند و اتو ور گیرند حذر خویش و سلاح خویش تان ، تمنی کردند کسانی که کافر شدند کی اگر غافل شوی از سلاح شما و کالاء شما و حمله آرند و رشما و حمله آرند و رشما یک حمله ، نیست بزه و رشما اگر بود شما را رنج از بارانی یا باشید شما بیمار اگر بنهید سلاح تان و گیرید حذر شما . بدرستی کی خدای تعالی بجارده است مر کافران را [۷۲] عذابی خوارکننده .

- ۱۰۳ - چون بگزاری شما نماز را یاد کنید خدای را وریا و نشسته و رپهلو شما . چون و اخانها تان شوی بیای دارید نماز را ، بدرستی کی نماز هست ورمونمان ، واجیست وقت ان .
- ۱۰۴ - و مکنی سستی در طلب گروه اگر باشد شمارا جراحت رسیده ک ایشانرا جراحت رسیدست چنانک شما را رسید و امیدداری ثواب از خدای انچ ندارند اومید و هست خدای دانا و درست کار .
- ۱۰۵ - کما فرستادیم بتو یا محمد قران را براستی تا احکم کنی میان مردم بدانچ اموختست خدای واتو و میباش مرخاینان را خصمی .
- ۱۰۶ - و امرزش خواه از خدای ، بدرستی کی خدای هست امرزنده و بخشاینده .
- ۱۰۷ - و مکن خصومت از ان کسانی ک خیانت کردند تنهای خویش ، بدرستی کی خدای دوست ندارد انرا کی بود خاین و بزه مند .
- ۱۰۸ - شرم می دارند از مردمان ونه می دارند شرم از خدای تعالی و او و ایشانست چون می اندیشند کی نه پسندد خدای از قول ایشان و هست خدای بدانچ کنند آگاه .
- ۱۰۹ - شما کی قوم طعمهء با قومی خصومت کنی از ایشان اندر زندگانی این جهان ، هر ک خصومت کند و اخدای تعالی از ایشان روز قیامت و کی باشد و رایشان پایندانی ؟
- ۱۱۰ - و هر ک کند بدی یا ظلم کند تن خویش پس امرزش خواهد ز خدای یا و د خدای را امرزنده و بخشاینده .
- ۱۱۱ - و هر ک کند بزه از بهر انک کند انرا و رتن خویش و بود خدای تعالی دانا و درست کار .
- ۱۱۲ - و هر ک کند خطا و یا بزه بعمد پس گناه و رکسی نهد او بری بود ،

حقیقت ور گرفته بود بهتانی و بزهء روشن .

۱۱۳- واگر نه فضل خدای بود ورتویا محمد ورحمت او، قصد کردند گروهی ازیشان که گمراه کنند ترا و نکردند گمراه مگر تنهای خویش را و در نیاورند نقصان ترا از چیزی . و فرستاد خدای ورتویا محمد قران و حکمت و بیاموخت ترا انچ نبودى داننده و هست فضل خدای ورتویا محمد بزرگ .

۱۱۴- نیست خیر اندر بسیاری [۷۳] از راز کردن منافقان مگر انک فرمایند بصدقتی بابنیکوی و ام دادنی یا صلاح او کنند میان مردمان . و هر که کند این سه چیز و بدان جوید رضاء خدای تعالی ، زود بود که دهیم او را ثوابی بزرگ .

۱۱۵- و هر که مخالفت کند رسول را از پس انک پدید آمده بود او را مسلمانی و متابعت کند جز راه مومنان را ، او را ماو اختیار او گذاریم و فرو اریم بدوزخ و بد است گردیدن و ادوزخ .

۱۱۶- بدرستی کی خدای تعالی نیامرزد کی شرك آرند بخدای تعالی و بیامرزد انچ دون شرك است انرا کی خواهد و هر که هنیاز گیرد بخدای تعالی ، حقیقت گم شد گم شدنی دور .

۱۱۷- می نپرستند اهل مکه از دون خدای تعالی مگر دیوی را ، و اگر پرستیدن ایشانست مگر دیوی ستنبه .

۱۱۸- بلعنت کرد دست خدای تعالی و گفت ابلیس یارب من واگیرم از بندگان تو نصیبی گروهی معلوم .

۱۱۹- و از راهشان ببرم و امیدشان او کنم بتاخیر و بفرمایم ایشانرا تا بگردانند یعنی برند گوشهء چهار پایان چون دروش کردن و بفرمایم ایشانرا تا بگردانند دین خدای تعالی . و هر که گیرد دیورا بخدای از دون خدای ، حقیقت زیان کردند زیان کردنی روشن .

۱۲۰- وعده کند دیو ایشانرا و امید او کند ، نیست وعده ایشان شیطان رامگر فریفتنی .

۱۲۱- ایشانند کی ماوا ایشان دوزخ است و نیاوند از انجا پناهی .

۱۲۲- وان کسها که مومنانند و کند نیکها زود درارندشان در بوستانها ، که می رود از زیران جوپها جاوید باشند در انجا همیشه . وعده خدای تعالی حق است و کدام راست ترست از قول خدای تعالی قوی ؟

۱۲۳- نیست بارزوه شما ونه بارزوه اهل کتاب انکس کی کند بدی جزا دهند او را و نیاود او را از دون خدای ، خدای ونه نصرت کننده .

۱۲۴- و هر که کند از نیکها از مرد وزن و او مومن بود ، ایشانرا درارند در بهشت و نقصان نیارند چندان سوراخ خرما .

۱۲۵- و کدام نیکوتر دینی از دین انک خالص بود [۷۴] خالص خدای را و او نیکو کار بود و متابعت کند دین ابرهیم مسامانی ؟ و گرفت خدای تعالی ابرهیم را دوستی .

۱۲۶- و خدای راست انچ اندر هفت آسمان و انچ اندر زمین است و هست خدای همه چیزی آگاه .

۱۲۷- و می پرسند یا محمد ترا در زنان یتیمان ، بگو یا محمد : خدای تعالی پدید کرد شمارا در انچ خوانند و ر شما اندر کتاب در یتیمان زنان ان یتیمانی که و اندادی ایشانرا انچ واجب ایشانرا زیراث و دست بداشتی بزنی کردن ایشان و بزنی کردن ضعیفان از کودکان و اگر ورخیزی در کار یتیمان بعدل و انچ بکنی از خیری ، بدرستی کی خدای بود بدان دانا .

۱۲۸- و اگر زنی بترسد از شوهر خویش نشوز گیرد یا و اگر در زن روی ، نیست بزه و ایشان که صلح کنید میان ایشان صلح کردنی و صلح بهتر بود . و خلقت

تنها وربخیلی است ، واگر راست کنی میان خویش وپرخیزی ، بدرستی کی خدای تعالی هست بدانچ کنید آگاه .

۱۲۹- ونه توانی شما که عدل کنی میان زنان واگرچه جهد کنی مکنی میل همه بیکزن ومگذاری دیگران راکی وا اوصحبت نکنی واگر صلاح کنی وپرخیزی ، بدرستی کی خدای هست امرزنده وبخشاینده .

۱۳۰- واگر بیراکنند بی نیاز کند خدای همه از فضل خویش و هست خدای توانگر ودرست کار .

۱۳۱- وخدای راست انچ در اسمانهاست وانچ اندر زمینست وحقا کی فرمودست انها را که دادندشان توریت ازپیش شما وشمارا نیز که برسید از خدای تعالی . واگر کافر شوی ، بدرستی کی خدای راست انچ اندر هفت اسمانست وانچ اندر زمینست . وهست خدای تعالی بی نیاز وستوده .

۱۳۲- وخدای راست انچ اندر اسمانهاست وانچ اندر زمینست و بسندست بخدای پایندانی .

۱۳۳- اگر خواهد خدای هلاک کند شمارا ای مردمان و بیافریند قومی دیگر را وهست خدای وران توانا .

۱۳۴- هر که بود خواهنده ثواب این جهان بنزدیک خدای است ثواب این جهان وثواب آخرت ، وهست خدای تعالی شنوا وینا .

۱۳۵- ای [۷۵] کسانی که مومنانید باشید راست گوء بعدل در گواهی خدای را واگرچه ورتنهاء خویش تان بود یاور مادر و پدر ورخویشاوندان، اگر باشد بی نیاز یادرویش خدای را اولی ترکی امر خدای نگاهداری مه کنی کاربهوای خویش که میل کنی . واگر بگردی از گواهی یا اعراض کنی، بدرستی کی خدای تعالی بود بدانچ کنید آگاه .

۱۳۶- ای کسانی که مومنانید ایماناری بخدای تعالی ورسول او وبقران

ایمان آری انك فرستادند ورسول(۱) خویش وان کتابها انك فرستادند از پیش محمد . و هر که کافر شود بخدای و فریشتگان و کتابها و پیغامبران و بروز باز پسین ، حقیقت گم شود گم شدنی دور .

۱۳۷- بدرستی کی ان کسانی که ایمان آرند پس کافر شود پس ایمان آرد پس کافر شود پس بایستادند و رکفر تا مرگ ، نباشد خدای امر زنده ایشان و ننماید خدای ایشانرا راهی .

۱۳۸- خبرده منافقان را ایشانراست عذابی دردناک .

۱۳۹- ان کسانی که گرفتند کافران را بدوست ازدون مومنان، می طلب کنند ز نزدیک ایشان عزت ؟ بدرستی که عزت خدای را بجمله .

۱۴۰- و حقیقت فرموده بودیم و ر شما اندر کتاب که چون بشنوی شما ایاتها خدای تعالی کافر شدند بدان و استهزا کنند بدان مه نشینی و ایشان تا آنگاه در شنند اندر حدیثی دیگر که شما چون ایشان باشی بدرستی کی خدای گرد کند در دوزخ منافقان و کافران اندر دوزخ باشند بجمله .

۱۴۱- ان کسانی که انتظار کنند بشما ، اگر بود شما را فتحی از خدای تعالی گویند نه باشیم ما و اشما و اگر بود مر کافران را دولتی بود گویند ایشانرا نه سیر مومنان و ر شما اشکارا کردیم از مومنان ؟ خدای تعالی حکم کند میان شما روز قیامت و نکر دست خدای تعالی مر کافران را و ر مومنان راهی .

۱۴۲- بدرستی کی منافقان را می بفریوند خدای او فریفته اند ایشانرا [۷۶] و چون ور خیزی بنماز ور خیزی کاهل بریا مردمان کنند و نکنند یاد

خدای تعالی مگر اندکی .

۱۴۳- می‌گردند میان کفر و ایمان نه و امومنانند بسر و نه و اکافرانند بظاهر و هر که گمراه کند خدای ، نیاید اوراهی .

۱۴۴- ای کسانی که مومنانید نه گیرید کافران را بدوست ازدون مومنان می‌خواهی که کند خدای تعالی ورشما حجتی روشن ؟

۱۴۵- بدرستی که منافقان اندر درک زیرین ازاتش ، و نیایند ایشانرا نصرت کننده .

۱۴۶- مگر ان کسانی که و اصلاح ارند (۱) و دست در کتاب خدای تعالی و خالص کنند دین خدای را، ایشان و امومنانند و زود بدهد دادنی خدای تعالی مومنان را ثوابی بزرگ .

۱۴۷- نه کند خدای تعالی بعذاب شما ، اگر شکر کنید و ایماناری و هست خدای شکر پذیرنده و دانا .

۱۴۸- دوست ندارد خدای تعالی آواز و رداشتن بیدی از گفتار مگر انکس ظلم کرده بود و هست خدای تعالی اشنوا و دانا .

۱۴۹- اگر پدیدار کنی خیری خصم‌تان را یا پنهان کنی یا درگذاری از بدی ، بدرستی کی خدای هست در گذارنده و توانا .

۱۵۰- بدرستی کی ان کسانی کافر شوند بخدای و بی‌پیغامبران و می‌خواستند کی فرق کنند میان خدای و پیغامبران او و می‌گویند ایمان آریم بیرخی و کافر شویم بیرخی ، و می‌خواستند که گیرند میان ایمان و کفر راهی .

۱۵۱- ایشانند که ایشان کافرانند حقا و بجارده‌ایم مامر کافران را عذابی خوارکننده .

۱۵۲- و کسانی که مومنانند بخدای و رسولان او و نه شدند کافر میان

یکی از ایشان ، ایشانند که زود بدهیم ایشانرا مزدایشان وهست خدای امرزنده وبخشاینده .

۱۵۳- می پرسند یامحمد ترا اهل توریت که بفرستند ورایشان کتابی از آسمان ، حقیقت پرسیدند موسی را بزرگترین ازان گفتند بنما ما را خدای رابعیان بگرفت ایشانرا [۷۷] صاعقه بظلم شان پس گرفتند بخدای گوساله را از پس انک آمد بدیشان حجتها درگذاشتیم ما ازان وبدادیم موسی را حجتی روشن .

۱۵۴- ورداشتیم مازبالای ایشان کوه را بمیشاق ایشان وگفتیم ما ایشانرا درشوی درین دراریحا سجده کنان وگفتیم ما ایشانرا که ز حد در مگدیری اندر شبیه و گرفتیم ما ایشان میشاقی سستبر .

۱۵۵- وبنه (۱) قض کردشان میشاق ایشان وبکفرایشان بایتهاء خدای وبکشتن شان پیغامبران را بناحق ، وبگفتار ایشان کدلها ما درنیاد ، بل که مهرنهاد خدای وردلهاشان بکفرایشان ، نیاورند ایمن مگراندکی .

۱۵۶- وبکفرایشان وبگفتار ایشان ورمريم بهتانی بزرگ .

۱۵۷- وبگفتارایشان که ما بکشتیم عیسی ، عیسی پسر مریم رسول خدای وبنه کشتند عیسی را ورنیاویختند او را ولکن صورت او ورایشان او کردند ، وبدرستی که ان کسها که اختلاف کردند درکشتن عیسی ، اندرشکی بودند ازو . نبود ایشانرا بدان هیچ عامی مگرکی متابعت کند ظنرا ، وبنکشتند او را بیقین دانستند .

۱۵۸- بل که باسماں برد خدای او را ، وهست خدای کینه کش و درست کار .

- ۱۵۹- نیست از اهل کتاب ز جهودان مگر ایمان آرند بدان در وقت
باس و روز قیامت باشد و رایشان گواه .
- ۱۶۰- و بظلمی از آنها که جهودانند حرام کردیم و رایشان ، پس پاکیزه
و حلال بدایشانرا و بازداشتن ایشان از راه خدای بسیاری را .
- ۱۶۱- و بگرفتن ایشان ربوا، و حقیقت نهی کردنشان از آن. و خوردشان
مالها، مردمان برشوت . و بجارده ایم مامر کافران را از ایشان عذابی دردناک.
- ۱۶۲- لکن راسخان اند اندر علم از ایشان و مومنان که ایمان آرند بدانچ
فرستادند بتویا محمد و بدانچ فرستادند از پیش تو و بپای داشتن نمازها
و بدادن زکوة و ایمان آرند بخدای تعالی [۷۸] و بروز رستخیز ، ایشانرا زود
بدهیم شان مزدی بزرگد .
- ۱۶۳- که ما وحی کردیم بتو یا محمد چنانک وحی کردیم بنوح و پیغامبران
که از پس او بودند ، و وحی کردیم بابرهمیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و
فرزندان یعقوب و عیسی و ایوب و یونس و هرون و سلیمان ، و بدادیم داود
را کتاب زبور .
- ۱۶۴- و پیغامبرانی را که قصص گفتیم ما ایشانرا ورتو یا محمد از پیش
و پیغامبرانی که نکردیم قصه ایشان ورتو ، و سخن گفت خدای تعالی و امونسی
سخن گفتنی .
- ۱۶۵- رسولانی بشارت دهندگان و بیم کنندگان تان باشد کافران را و
خدای تعالی حجتی پس فرستادن رسولان ، و هست خدای کینه کش و
درست کار .
- ۱۶۶- لکن خدای گواهی می دهد بدانچ فرستاد بتویا محمد بفرستاد
انرا بامر خویش ، و فریشتگان گواهی دهند ، و بسندست بخدای تعالی گواهی .
- ۱۶۷- بدرستی کی کسانی که کافر شدند و بگردانیدند مردمان را از راه خدای

تعالی ، حقیقت گم شد گم شدنی دور .

۱۶۸- بدرستی کی کسانی کافر شدند و ظلم کردند نباشد خدای تعالی

امر زنده ایشان ونه نماید ایشانرا راهی .

۱۶۹- مگر راه دوزخ جاوید باشند اندر انجا همیشگی ، و بودان ور

خدای تعالی اسان .

۱۷۰- ای مردمان ! حقیقت امد بشمارسول بر راستی از خداوند شما ،

ایمان اری بهتر بود شمارا ، و اگر کافر شوی بدرستی کی خدای راست انچ

اندر اسمانهاست وزمین ، و بود خدای دانا و درست کار .

۱۷۱- ای اهل توریت ! مکنی زیادت اندر دین تان ومه گوید ور خدای

تعالی مگر حق ، از بهر انک مسیح یعنی عیسی پسر مریم رسول خدای است

وسخن کو بفرستاد ، بیو کند و امریم و عیسی ببداز و یامر خدای . ایمان ارید

بخدای و پیغامبران او ومه گوید کی خدای سه اند ، و ایستی ازان که بهتر

بود شمارا ، از بهر انک خدای تعالی خدای است یگانه ، پاک است او ازان

که باشد او را فرزندی ، او راست انچ اندر اسمانهاست و انچ اندر [۷۹]

زمینست ، و بسندست بخدای پایندانی .

۱۷۲- ندارد ننگ عیسی که باشد بنده خدای ونه فریشتگان مقرب ننگ

دارند . و هر که ننگ دارد از پرستیدن خدای تعالی و تکبر کند ، حشر کند

ایشانرا بدوزخ بجمله .

۱۷۳- اما ان کسها که ایمان ارنند و کنند نیکیها ، بدهند ایشانرا مردشان

وزیادت کندشان از فضل خویش . و اما ان کسها که ننگ دارند و سروازنند

عذاب کند ایشانرا عذابی دردناک ، و نیاوند ایشان از دون خدای دوستی

ونه یاری دهی .

۱۷۴- ای مردمان امد بشمارسولی از خدای شما و بفرستادیم بشما

نور ی‌روشن .

۱۷۵- امان کسانی کی ایمان‌ارند بخدای واعتصام کنند بدین اوزود درارندشان اندر بهشت از و فضلی بود و راه نماید ایشانرا بخودراهی راست .

۱۷۶- می‌پرسند یامحمد ترا بگوکی خدای پدید کرد شمارا اندر کلاله، اگر مردی بمیرد نبود او را فرزندی و او را خواهری بود ، ان خواهر رانیمی رسد از انچ ترکت بود ، و برادر میراث یاود ز خواهر ، اگر نباشد خواهر را فرزندی . اگر باشند خواهر دو و برادر بمیرد ، ایشانرا دوبرخ بود از انچ ترکت بود . و اگر باشند برادران مرد را و خواهران ، برادری را باشد دوچندان بودکی نصیب خواهری . پدید کرد خدای شمارا ک خطانکنی در قسمت ، و خدای بهمه چیزی داناست .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سورة المائدة مایة وعشرون وثلث ایت

بنام خدای تعالی روزی ده وبخشاینده

۱- ای کسانی که مومنانید وفا کنید عهدها را ، حلال کردند شما را بهیمنگان از شتر و گاو و گوسفند مگر آنچه خواندند و شما بجز جایگاه شکار و شمارا حرام کرد ، بدرستی کی خدای حکم کند آنچه خواهد .

۲- ای آنها که مومنانید مداری بحلال ترك مناسك حج خدای را و نه غارت کردن در ماه حرام و بحلال مداری آنچه بهدیه فرستاده باشند بخانه مکه و نه ان شتر کی بمنایرند بکشتن [۸۰] و مدارید حلال غارت کردن ان کسانی که بکعبه ایند می جویند فضلی از خداوندشان و خشنودی ، و چون از احرام بیای کنید صید را ، و مداریا شما را دشمنی گروهی که ورگردانید شما از مزگت حرام کی ویدادی کنی ویاری کنی یک دیگر (۲) و رطاعت کردن و پرهیز کردن ، و مکنی یاری یک دیگر را و برزه کردن و ظلم کردن و بترسید از خدای بدرستی کی خدای تعالی سخت عقوبتست .

۳- حرام کردند و شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه بکشند نه بنام خدای تعالی و آنچه بخناق بمیرد حرام کرد و آنچه بچوب بمیرد و آنچه از کوه بزیر گردانند تا بمیرد و آنچه در سر و زدن کشته آید و آنچه بخورده بود پاره سباع

۱- در نسخه نفیس کلام الله مجید که به فرمان مبارک شاهنشاه آریامهر زیور طبع گرفته

است : مائة و عشرون .

۲- يك دیگر : یکدیگر را

مگر انچه دریاوی شما و روح درو مانده بود وانچه بکشند ورنام بیت ، وانچه بازبخشند بقداح ، قداح سهام ایشان بود در جاهلیت ، خوردن این چیزها حرامست . امروز نومیدشدندان کسانی کی کافر شدند از دین شما و مترسی زیشان و از من ترسید . امروز تمام بکردم من شمارا شریعت شما ، و تمام بکردم ور شما نعمت خویش و پسندیدم شمارا مسلمانانی دینی . هر کس کی بجهت رسد در گرسنگی و نبود متعمد ببزه ، بدرستی کی خدای تعالی امرزنده و بخشاینده .

۴- می پرسند ترا یا محمد کی چیست کی حلال کردند ایشانرا ؟ بگو یا محمد حلال کردند شمارا پاکیزه کشتار وانچه بیاموزی شما ایشانرا صید از کواسب مرغان و بازو شاهین و صید سگانی کی دراموخته باشند ایشانرا انچه دراموخت شمارا خدای ، بخوری از انچه فروداست باشند سگان ور شما ، و یاد کنید نام خدای تعالی و برگذاشتن سگ و بترسید از خدای ، که خدای زود شمارست .

۵- امروز حلال کردم شمارا کشتار و طعام دست کش ان کسانی که دادندشان توریت یعنی جهودان ، حلال است شمارا و دست کش شما حلال است ایشانرا ، و حلال است شما را بزنی کردن از آزادان مومنه و بزنی کردن از آزادان از ان کسانی کی دادندشان توریت یعنی ترسایان از پیش شما چون داده باشید ایشانرا کاوین ایشان بتزویج باشی بی زن دست گرفتن و نه [۸۱] گیری شان در سوری نکاح ، و هر که کافر شود پس ایمان حقیقت بحبط شد عمل او و اودران جهان از زیان کاران بود .

۶- ای کسانی که مومنانید چون ورخیزید ورنماز بشورید رویهاتان را و دستهااتان را تا بارز نو و مسح کنید سرتان را و بشوری پایهااتان را تا بکعبین ، و اگر باشی جنب بشوری سروتن و اگر باشی مجروح یا ورسفر یا اید یکی از

شما حاجتگاه یارمجیده باشی زنان رانیابی شما اب ، تیمم کنید بخاکی پاکیزه مسح کنی بخاک و رویهاتان و دستهاتان از خاک ، نخواست خدای تعالی کی کند ورشما تنگی و لکن خواست کی پاک کند شمارا و تاتمام کند نعمت او ورشما تا مگر شما شکرکنندگان باشی .

۷- و یاد کنید نعمت خدای تعالی ورشما و یاد کنید امر اونک امر کرد شمارا بدان وقت کی گفتید: سمعنا و اطعنا و بترسید از خدای تعالی ، بدرستی کی خدای تعالی داناست بدانچ و دلها شماست .

۸- ای کسانی که مومنانید باشید گویندگان خدای را در وقت گواهی بعدل و رمدا ریا شمارا دشمنی گروهی و رانک نکنی بیداد ، عدل کنید که ان نزدیک ترست پرهیز کار را بتقوی ، و بترسید از خدای که خدای تعالی آگاهست بدانچ کنید .

۹- وعده خدای است ان کسانی که مومنانند و کنند نیکیها ایشانرا بود امرزشی و ثوابی بزرگ .

۱۰- وان کسانی کی کافر شدند و بدروغ داشتند ایتهاما ، ایشانند اهل دوزخ .

۱۱- ای کسانی که مومنانید یاد کنید نعمت خدای تعالی ورشما چون قصد کردند جهودان کی دراز کنند بکشتن بشما دستهائ خویش ، خدای کوتاه کرد دست ایشان از شما ، و بترسید از خدای تعالی ، و رخدای است توکل کردن مومنان .

۱۲- وحقاکی گرفت خدای تعالی عهد [۸۲] از بنی اسرائیل ، و بفرستادیم ازیشان دوازده رسول در هر نسبطی رسولی، و گفت خدای تعالی که من و اشما ام اگر بیای داری نماز را و بدهید زکوة را و ایمان آرید برسولان من و یاری کنی رسولان را و قرض دهی یعنی زکوة خدای را قرضی نیکو ، تا محو کنیم از شما

گناهان شما و دراریم شمارا در بهشتهاء کی می رود زیران جویها ، هر ک کافر شود پس ازین از شما ، حقیقت گم شود ز راستی راه .

۱۳- بدانچ تقض ایشان بود میثاق شان کی لعنت کردیم شان و گردانیدیم دلهاشان سیاه ، بگردانیدند سخن خدای تعالی از موضع خویش و فراموش کردند نصیب خویش از انچ پند داده بودند بدان ، همیشه توکی محمدی مطلع باشی ورخیانتهی ازیشان مگر اندکی ازیشان دست بدار ازیشان و از مکافات ایشان ، بدرستی کی خدای تعالی دوست دارد نیکوکاران .

۱۴- وازان کسها که گویند کی ماتر نسایانیم ور گرفتیم میثاق ایشان فراموش کردند نصیب خویش از انچ پند داده بودند بدان ، بیفکنیم میان ایشان دشمنی و خشم تا روز قیامت ، وزود بودکی اگاه کند ایشانرا خدای بدانچ ایشان می کنند .

۱۵- یا اهل کتاب حقیقت آمد بشمارسول ما پدیدار کند شمارا بسیاری از انچ شما پنهان بکردی از کتاب و درگذاشت از شما بسیاری ، حقیقت آمد بشما از خدای رسولی و کتابی روشن .

۱۶- راه نماید بدان کتاب خدای انراکی متابعت کرددین اورا و راه اسلام و بیرون اردشان از تاریکی بروشنای بامر خویش ، و راه نماید ایشانرا راهی راست .

۱۷- حقاکی کافر شدند ان کسانی که گفتند که خدای است او یعنی عیسی پسر مریم ، بگو یا محمد نیست قادر و رعباد خدای تعالی هیچ چیز اگر خواهد که هلاک کند عیسی را پسر مریم و مادر او و هر که اندر زمینست بجمله ، و خدای را است پادشاهی آسمانها و زمین و انچ [۸۳] میان آسمان و زمینست بیافریند انچ خواهد ، و خدای تعالی بر همه چیزی تواناست .

۱۸- و گفتند جهودان و ترنسیان کی ما گرامی ایم ور خدای تعالی چون فرزند

ورپدر ، بگویا محمد چرا عذاب کرد شمارا خدای بگناهان شما ؟ بل که شما ادمی از انک افرید خلق را، بیامرزد انرا که خواهد وعذاب کند انرا که خواهد، و خدای را است پادشاهی اسمانها وزمین وانچ میان اسمان وزمین ، وبا اوست بازگشتن . **وَقَالَ لِمُوسَى اِنِّي اصْبِرُ فَاصْبِرْ**

۱۹- ای خداوندان کتاب حقیقت امد بشمارسول ماپدید کند شمارا ورفترتی ازپیغامبران تانگوی که نیامد بماهیچ بشیری ونه بیم کننده بحقیقت امد بشما بشارت دهنده وبیم کننده ، و خدای تعالی ورهمه چیزی تواناست .
۲۰- و چون گفت موسی مرقوم خویش را ای قوم یاد کنید نعمت خدای تعالی ورشما چون کرد در میان شما پیغامبران و کرد شما ملکان و بداد شمارا زمال چندانک نداد هیچ کس را از جهانیان .

۲۱- گفت موسی ای قوم درشویید در زمین مقدس انک فرمودست خدای تعالی شمارا واپس مشوی و رگردیدن شمارا و رگردیدن زیان کاری .
۲۲- گفتند قوم موسی : ای موسی بدرستی کی اینجا بقیت قوم ، قوم عاداند وما نشویم انجا تا بیرون اینداز انجا ، چون بیرون ایند از انجا مادر شویم . **وَقَالَ لِمُوسَى اِنِّي اصْبِرُ فَاصْبِرْ**

۲۳- گفتند ان دومرد یوشع و کالوب از ان کسها که می ترسیدند ز خدای نعمت کرد خدای و رایشان کدرشوی در بلقا و بدران ، چون فرمودست خدای درشدن ان که شما غالب باشی، و رخدای تعالی توکل کنی اگر شما گرویدگانی .

۲۴- گفتند : ای موسی مانه رویم ببلقا هرگز تا ایشان مقیم باشند درو بشو یا موسی تو و برادرت هرون حرب کنی ما اینجا باشیم نشستگان .

۲۵- گفت یارب که من نیم پادشاه مگرورتن خویش و برادر خویش جدا کن میان ما و میان گروه فاسقان .

۲۶- گفت خدای : انرا حرام بکردم و رایشان چهل سال بیرون آمدن

زتیہ [۸۴] اندرزمین مبراندوه یاموسی ورگروه فاسقان .

۲۷- ورخوان یامحمدورایشان خبر فرزندان ادم براستی چون نزدیک شدند بقریان کردن قبول کردند ازایشان یکی یعنی قربان هاییل ونکردند قبول ازدیگری یعنی قربان قابیل ، گفت قابیل هاییل را: که بکشم ترا ، گفت هاییل: ازبهرانک بپذیرفت خدای قربان تو ، ازپرهیزکاران بپذیرد .

۲۸- اگر درازکنی تو بمن دست خویش کی بکشی مرانکم من دراز کردن دست خویش بتو بکشتن تو ، که من ترسم ازخدای تعالی افریدگار جهانیان .
 گفتم: **مدرسه نجفیه**

۲۹- که من خواهم که اوگردی تو بگناه من وبگناه تو وباشی ازاهل دوزخ، وان عقوبت ظالمان است .

۳۰- قابیل بطوع درآمد اوبنفس خویش کی بکشد برادر خویش را ، بکشت هاییل را گردید اززیان کاران .

۳۱- بفرستاد خدای تعالی غرابی را تا بکاویدند اندر زمین کردند ازیکی را بدید انرا چون بپوشد عورت برادر خویش، گفت قابیل: وای برمن عاجزترم من از ان که باشم مانند این غراب بپوشیدمی عورت برادر خویش گردید از پشیمانان .

۳۲- ازبهرانک که انرا واجب کردیم ماور بنی اسرائیل که اوهر که بکشد تنی راوی قصاصی اگر فساد کند درزمین ، چنانکه که کشته بود مردمان را بجمله . وهر که عفوکند کسی را چنان بود زنده کرده بود مردمان را بجمله، وحقاکی آمد بایشان رسولان ما بحجتها ، پس بدرستی کی بسیاری ازایشان پس ان درزمین اسراف کنندگان .

۳۳- ازبهرانک جزا ان کسانی که مخالف بود خدای را ورسول او را و بسیار اندر زمین فساد کردند که بکشند یا بیاویزند یاببرند دست راست

ایشان و پای چپ ایشان ازخلاف اگریم کس دارد در زمین راه ، ان فضیحت ایشانرا بود اندرین جهان وایشانرا بود در آخرت عذابی بزرگ .

۳۴- مگر ان کسها که توبه کنند ازپیش که قادر گردد وریشان بدانید که خدای تعالی امرزنده وبخشاینده است .

۳۵- ای [۸۵] کسانی که مومنانید بترسید از خدای و بجوید بخدای تعالی شفیعان و جهادکنی اندر سبیل خدای تا مگر شما رستگار باشی .

۳۶- بدرستی کی کسانی که کافر شدند اگر ایشان را بود انچ اندر زمینست بجمله وهم چندان با او بود فدانن خویش کنندی بدان از عذاب روز قیامت، نپذیرند ازیشان . وایشانرا بود عذابی دردناک .

۳۷- می خواهند که بیرون آیند از دوزخ و نیایند ایشان بیرون از دوزخ وایشانرا بود عذابی پاینده .

۳۸- وهر که دزدی کند از مرد وزن ببرید دستهایشان جزاء کرداران کرده باشند و فضیحت از خدای ، و خدای تعالی کینه کش و درست کار .

۳۹- هر که توبه کند از پس ظلم او و اصلاح اید بدرستی کی خدای در گذارد وراو ، بدرستی کی خدای امرزنده و بخشاینده .

۴۰- نه دانی که خدای است که او راست پادشاهی هفت آسمان و زمین؟ عذاب کند انرا کی خواهد و بیامرزد انرا کی خواهد ، و خدای تعالی و همه چیزی تواناست .

۴۱- ای رسول اندوهگن مکناد ترا ان کسانی که میشتاونداندر کفر از انها که گویند ایمان آوردیم بزبانهایشان نیاورده است ایمان دلهاشان ، و از ان کسها که ز جهودان گویندگان دروغ اند و گویندگان گروهی دیگران که نیامده بودند ، می بگردانند سخنانرا در تورتیت از پس موضع خویش ، می گویند که محمد فرماید شمارا این ، بپذیرید انرا . و اگر جم فرماید بپذیری حذر کنی ، و هر که خواهد خدای گم راهی اونتوانی توکی محمدی او را از خدای

چیزی ، ایشانند آنها که کی نخواست خدای که پاک کند دلها ایشان ، ایشانرا ستاندر این جهان عذابی وایشانراست اندر آن جهان عذابی بزرگ .

۴۲- گویندگان دروغ اند بخورند حرام اگر بتو آیند یا محمد حکم کن میان ایشان یا اعراض کن از ایشان ، و اگر اعراض کنی از ایشان نتوانند کردن نقصان ترا یا محمد [۸۶] بجیزی ، و اگر حکم کنی حکم کن میان ایشان براستی بدرستی کی خدای دوست دارد عادلان .

۴۳- و چون حاکم کنند ایشان ترا و بنزدیک ایشان توریت درو حکم خدای تعالی پس ورگردند از پس آن ورخوانند ، و نیستند ایشان مومنان .

۴۴- ما بفرستادیم توریت دروست ره نمونی و روشنای حکم کند بدان پیغامبران را آنها که مسلمانند مرانها را که جهودانند و زاهدان ایشان و عالمان بدانچ نگاه داشتند از کتاب خدای تعالی و بودند و را و گواه ، مه ترس ز جهودان و ترسی از من ، و بیه خرید بایات من بهاء اندک و هر که نکند حکم بدانچ فرستاد خدای ، ایشانند که ایشان کافر اند .

۴۵- واجب کرده بودیم و ریشان دران توریت کی کشتن راتن بتن و چشم بچشم و بینی بینی و گوش بگوشی و دندان بدندانی و جراحات را قصاصی هر که صدقه کند بدان ، او را کفارتی بود انرا و هر که نکند حکم بدانچ فرستاد خدای تعالی ، ایشانند کی ایشان ظالمانند .

۴۶- و بفرستادیم و رپس ایشان بعیسی پسر مریم موافق از انچ پیش بود از توریت و بدادیم او را انجیل اندرو بود هدایت و بیان و موافق از انچ پیش بود از توریت و راه نمونی و پندی مرپر هیز کاران .

۴۷- و حکم کنند اهل انجیل بدانچ فرستاد خدای تعالی در انجیل ، و هر که نکند حکم بدانچ فرستاد خدای ایشانند که ایشان فاسقاند .

۴۸- و بفرستادیم مابتو کتاب براستی موافق انچ پیش ان بود از توریت و گواه است و ران حکم کن میان ایشان بدانچ فرستاد خدای و کارمکن بهوای

خویش از پس انک امد بتو از راستی ، هریکی کردیم از شما پیغامبران راهی [۸۷] ، راهی روشن . واگر خواهد خدای کردی شمارادینی یگانه ولکن می از مون کرد شمارا در انچ داد شمارا بشتابید بطاعتها که واخدای است بازگشت شما بجمله ، اگاه کند شمارا بدانچ بودی شما اندران خلاف کنندگان .

۴۹- واگر حکم کنی میان ایشان بدانچ فرستاد خدای و کارمکن بهوای خویش و حذر کن زیشان که ورنگردانند ترا از برخی از انچ فرستاد خدای تعالی بتو ، اگر ورگردند داد از بهر انک خواهد خدای که رساند ایشانرا بجمله گناهان شان ، و بدرستی که بسیاری از مردمان فاسقاند .

۵۰- می حکم جاهلیت جویند و کدام حکم نیکوتر از ان خدای حکمی مرگروهی را که بی گمانند ؟

۵۱- ای کسانی که مومنانید مه گیرید جهودان را و ترسایان را بدوستی برخی از ایشان دوست اند برخی را ، و هر که دوستی کند و ایشان از شما بدرستی کی او از ایشانست ، که خدای نماید راه گروه ظالمان .

۵۲- بینی یا محمد ان کسها که در دل ایشانست بیماری می بشتابند در دوستی شان ، می گویند : می ترسیم که رسد مارا هزیمت ، بو که خدای تعالی دهد محمد فتح یا امر کند از نزدیک خویش . پس اگاه و رانچ درس اندر تنها خویش اندیشیدند پشیمان بودند .

۵۳- و گویند کسانی که مومنانند انهاند کسانی که سوگند خوردند بخدای جهد سوگندشان که ایشان و اشما اند ، باطل کرد کردارشان گردیدند زیان کاران .

۵۴- ای کسانی که مومنانید هر که ورگردند از شما از دین خویش ، زود

بیارد خدای تعالی قومی را که دوست دارد ایشانرا و دوست دارد خدای ایشانرا ، متواضع و مومنان و سخت باشند و رکافران . جهاد می کنند در سبیل خدای و نه ترسند ز ملامت ملامت کنندگان ، ان فضل خدای است بدهد انرا که خواهد ، و خدای تعالی دهنده است و دانا .

۵۵- از بهر آنک نگاه دار شماست خدای و رسول او و کسانی که مومنانند ان کسانی که [۸۸] بپای دارند نماز را و بدهند زکوة را و ایشان رکوع کنندگانند .

۵۶- و هر که گردد و خدای و رسول او و ان کسانی که مومنانند ، بدرستی کی لشکر خدای تعالی ایشان غلبه کنندگانند .

۵۷- ای کسانی که مومنانید مگیرید ان کسها که گیرند دین شما باستهزا و بازی از انها که دادندشان توریت از پیش شما و کافران مگیرید بدوست ، و برترسید از خدای اگر شما مومنانید .

۵۸- و چون شما بانگ کنید نماز را گیرند انرا باستهزا و بخنده ، ان بدانست که ایشان گروهی کی نمی دانند .

۵۹- بگو یا محمدای اهل توریت می یاوی عیبی و رما مگران که ایمان آوردیم بخدای و بدانچ فرستادند مارا و انچ فرستادند از پیش ما و بیشترین شما فاسقانند .

۶۰- بگو یا محمد کی آگاه کنم شما را ببتیرین از ان که عقوبتش بیشتر بنزدیک خدای ، و ان کس است کی لعنت کرد او را خدای ، و خشم خدای و راوست و کرد گروهی از ایشان بوزنه گان و خوکان و گروهی متابع بت اند ، ایشانند بترین خلق جایگاهی و گم بوده اند از راستی راه .

۶۱- و چون ایند بنزدیک تو گویند : ایمان آوردیم و حقیقت آمدند با کفر

اند و ایشان هم چنین بیرون شدند بدان ، و خدای داناترست بدانچ بودند پنهان کنندگان .

۶۲- وینی یا محمد بیشترین از ایشان که می شتابند در بزه کردن و ظلم کردن و خوردن شان حرام ، بدست انچ ایشان می کنند .

۶۳- چرانی می نکنند ایشان را زاهدانشان و عالمانشان از تشبیه کردنشان و بزه و خوردنشان حرام ؟ بدست انچ ایشان می کنند .

۶۴- و گفتند جهودان : کی دست خدای تعالی بسته است ، بسته باد دست ایشان و لعنت کرده اند بدانچ گفتند بل که تقدیر خدای است روزی دهنده دهد چنان که خواهد ، می بیفزاید بسیاری [۸۹] از ایشان انچ فرستادند بتو یا محمد از خداوند تو گم راهی و کفری و در او کنسیم میان جهودان عداوة و دشمنی ناروز قیامت ، هر گاه که گرد آیند ایشان مر حرب را بپراکند جمع ایشان را خدای تعالی و عمل کنند اندر زمین بفساد ، و خدای تعالی دوست ندارد مفسدان را .

۶۵- و اگر اهل کتاب ایمان آرند و بپرخیزند از جهودی بپوشانیم ما از ایشان گناهانشان و دراریم ما ایشانرا در بهشتهاء پر نعمت .

۶۶- و اگر جهودان کار بستندی تورات را و ترسایان انجیل را و انچ فرستادند بایشان از خداوندشان روزی ایشان از زور ایشان و از زیر پای ایشان ، از ایشان گروهی اند کی یافته اند ، و بسیاری از ایشان بد کردارند انچ می کنند .

۶۷- ای رسول یعنی محمد برسان انچ فرستادند بتو از خداوند تو ، و اگر نکنی از انچ و اتو گفتند رسالت ان نرسانی ، و خدای تعالی نگاه دارد ترا از مردمان ، بدرستی کی خدای ننماید راه گروه کافران .

۶۸- بگو یا محمد ای اهل کتاب نیستی شما و ر چیزی تا انگاه پبای ننداری تورت را وانجیل را وانچ فرستادند بشما از خداوند شما ، ومی بیفزاید بسیاری از جهودان انچ فرستادند بتو از خداوند تو گم راهی و کفری ، مدار یا محمد اندوه و ر گروه کافران .

۶۹- بدرستی کی ان کسانی کی مومنانند وان کسانی ک جهودند و صابی ان بود کی دینی دارد میان جهودی و ترسای و ترسایان ، هر ک بگردد بخدای تعالی و بروز باز پسین و کنند نیکی نیست بیمی و رایشان ونه ایشان اندوهگن باشند .

۷۰- حقا ک گرفتیم مامیثاق از فرزندان یعقوب و بفرستادیم ماوریشان بیفامبرانی ، هرگاه کی بیامد بایشان رسولی بخلاف مراد ایشان ، گروهی دروغ داشتند و گروهی را بکشتند چون یحی و زکریا .

۷۱- ومی پنداشتند ک باشد دلهایشان تباه کور گردند زحق و کور گردند زحق پس در گذارد خدای تعالی و رایشان [۹۰] پس نابینا شدند و پس کر شدند بسیاری ازیشان بدین صفت ، و خدای بیناست بدانچ کنند .

۷۲- حقا کی کافر شدند انها ک گفتند بدرستی کی خدای اوست یعنی عیسی پسر مریم ، و گفت عیسی : ای فرزندان یعقوب بپرستید خدای را خداوند من و خداوند شما ، ک او هر ک شرک اورد بخدای حقیقت حرام کرد خدای و را وبهشت و جایگاه اودوزخ بود ، ونیست مرظالمان را هیچ یاری دهی .

۷۳- حقا کی کافر شد ان کس کی گفتند : بدرستی کی خدای تعالی سه اند سگانه ، ونیست هیچ خدای مگر خدای ک یکی است ، و اگر وانیستند از انچ می گویند برسدان کسها ک کی کافر شدند ازیشان عذابی دردناک .

۷۴- چرا نکنند توبه و اخدای تعالی ونخواهند امرزش از خدای ، و خدای

تعالی امرزند و بخشاینده است ؟

۷۵- نیست عیسی پسر مریم مگر رسولی چنانک گذشتند از پیش او رسولانی ، و مادر او مریم است راست گوی ، بودند هر دو خوردگان طعام بنگر کی چون پدید کرد ایشانرا ایتها پس بنگر کی چون دروغ گفتند .

۷۶- بگویامحمد می پرستید شما از دون خدای تعالی ان کسی ک نتوانند شمارا مضرتی ونه منفعتی ؟ و خدای تعالی اوست اشنوا ودانا .

۷۷- بگویامحمد : ای اهل توریت مفزایید اندردین خویش چیزی ک ناحق است ومه جوید هوای گروهی ک گمراه شدند از پیش وگمراه کردند بسیاری وگمراه شدند از راه راست .

۷۸- لعنت کرده اند کسانی را کی کافر شدند از فرزندان یعقوب وردعای داود وعیسی پسر مریم ، وان لعنت بدان ک عاصی شدند و بودند از حد گذشتگان .

۷۹- بودند ک نهی نکردند از منگری کی دیگران می کردند بدبود انچ ایشان می کردند .

۸۰- بینی یامحمد بسیاری از ایشان کی دوستی کنند ان کسانی ک کافر شدند ، بدکردند انچ کردند ایشان تنهائ خویش را ک خشم خدای تعالی ور ایشانست [۹۱] واندر عذاب ایشان جاوید باشند .

۸۱- واگر بودند ایمان آورده بخدای وبپیغامبر وبدانچ فرستاد خدای بپیغامبر ، نه گرفتندی جهودان رابدوست ولكن بیشترین از ایشان فاسقانند .

۸۲- یاوی یامحمد جهودان راسخت ترین مردمان ورعداوت مرانهارا ک مومنانند و جهودان وان کسانی ک مشرکانند ، ویاوی یامحمد نزدیکان اند بدوستی مرانهارا ک مومنانند ان کسانی ک گویند ک ماتر سایانیم ، ان دوستی

- بدانست که از ایشان متعبّدان و زاهدان اندوایشان نکنند تکبیر .
- ۸۳- و چون بشنودند اینج فرستادند و رسول برفت اشک ز چشمها ایشان از آنک بشناخته بود از اینج شناختند از قران ، می گویند بارخدای ما ایمان آوردیم کن مارا و آگواهی دهندگان امت محمد .
- ۸۴- و نیست مارا که نهاریم ایمان بخدای و بدانج امدست بما از قران و طمع داریم که فروارد مارا خدای مادر بهشت و اگر وه نیکان .
- ۸۵- ثواب دادایشانرا خدای بدانج گفتند توحید بهشتهای کی می رود از زیر آن جویها جاوید باشند اندرانجا و اینست جزاینکو کاران .
- ۸۶- و کسانی که کافر شدند و بدروغ داشتند ایتها ما ایشانند اهل دوزخ .
- ۸۷- ای کسانی که مومنانید مکنی حرام پاکیز که را اینج حلال کرد خدای شمارا و در مگنری زحّد ، بدرستی کی خدای دوست ندارد از حد گذشتگان .
- ۸۸- و بخوری از اینج روزی کرد شمارا خدای حلالی پاکیزه ، و بترسید از خدای آن خدای که شما بدو گرویدگانی .
- ۸۹- نگیرد شمارا خدای تعالی باغو اندر سوگند آن شما و لکن بگیرد شمارا بدانج نیت کرده باشی سوگند آنرا ، کفارت سوگند دروغ طعام دهی ده درویش را از اینج طعام بود از اینج خوری و عیال شما خورند یا جامه پوشی ده درویش را یا از ادکنی بنده ، هر که نیاید روزه دارد سه روز ، اینست کفارة [۹۲] سوگندان شماسست چون سوگند خوری و نگاه داری لفظ سوگندان تان هم چنین پدید کرد خدای شمارا ایات خویش تا مگر شما شکر کنندگان باشی .
- ۹۰- ای کسانی که مومنانید از بهر آنک خمر خوردن حرامست و قمار حرامست و بت پرستیدن حرامست و قدام حرامست و پلیدست از عمل شیطانست بپر خیزی ازین هر چهارتا مگر شما رستگار باشی .

۹۱- از بهرانك خواهد شيطان كذا و كند ميآن شما دشمنی و خشم او كند اندر خوردن خمر و بازیدن قمار ، و باز دارد شمارا از ياد كردن خدای تعالی و از نماز كردن ، و می کنند شمارا نهی تا باز ایستید ازین .

۹۲- و فرمان برید خدای را و فرمان برید رسول را و حذر کنی زین هر دو اگر ورگردی شما بدانید كذا از بهرانك و رسول (۱) ما رسانیدن است روشن .
۹۳- نیست و ران کسانی كذا مومنانند و كنند نیکیها بزه اندر انچ خوردند ز خمر چون ازان بپرخیزند و ایمان آرند و كنند نیکیها ، پس بپرخیزند و ایمان آورند پس بترسند و نیكوی كنند ، و خدای تعالی دوست دارد نيكو- كاران را .

۹۴- ای کسانی كذا مومنانید می از مومنان كنند شمارا خدای بچیزی از شكار در حرم و انچ رسد دست شما از بچه و خایه و شیر مرغ تابیند خدای ان كس را کی بترسد و صید دست بدارد ، و هر ك صید كند در حرم و در احرام پس ان کی بشنود او را بود عذابی دردناك .

۹۵- ای کسانی كذا مومنانید بمه كشید صید را در حرم و شما در احرام باشی و هر ك بكشد از شما صید بعمد در حرم كفارت كند مثل آنك بكشت از صید حكم كند بدان دو مرد عدل از شما آنك بفرستد از كفارت بمه كه تابكشند انجا یا كفارت کی طعام دهد درویشانرا اگر طعام نیاوند ببذل هر مسدی طعام يك روز روزه دارد تابچشد عقوبت خدای تعالی ، در گناشت خدای تعالی انچ کرده بودی ز پیش ، و هر ك و اگر در صید انتقام كشد خدای تعالی ازو ، و خدای تعالی كینه كش است خداوند [۹۳] كینه كش .

۹۶- حلالست شمارا صید دریا و خوردن ماهی حلالست شمارا و انچ و اكثار او كنده بود ، و حرام كرد و ر شما صید و در خشك مادام تا شما محرم

باشی ، و برسید از خدای ان خدای کرد دست عبود بشر آدمی .
 ۹۶- فرد خدای کعبه را خانه شکوه مند ایستادنی است مردمان را و ماه
 رام یعنی ذی الحجه و هدی و قلاید کشتن ، ان راست کی بد از کر خرد

تعالی داند انچ اندر آسمانها وانچ اندر زمینست و خدای تعالی بهمه چیزی
 داناست .

۹۸- بدانید که خدای تعالی سخت عقوبتست و خدای تعالی امرزنده و
 بخشاینده .

۹۹- نیست و رسول مگر رسانیدن ، و خدای تعالی داند انچ آشکارا
 کنی وانچ پنهان کنی .

۱۰۰- بگویا محمد کی نیست برابر حرام و احلال و اگر چه خوش اید ترا
 بسیاری حرام ، برسید از خدای تعالی ای خداوند ان خرد تا مگر شما
 رستگار باشی .

۱۰۱- ای آنها که مومنانید مه برسید از چیزها ، که کردست شما را عقوبت
 کردست ، و اگر بررسی ازان ان وقت کی فرواید قران بفرمایند شما را عفو
 کرد خدای شما را از پرسیدن ان ، و خدای تعالی امرزنده و بردبارست .
 ۱۰۲- حقیقت پرسیدند انرا گروهی از پیش شما پس و رگر دیدند بدان
 کافر شدند .

۱۰۳- نه کرد حرام خدای تعالی از گوشت بحیره و نه سایبه و نه وصیله
 و نه حام را ، و لکن آنها کی کافر شدند ایشان دروغ گفتند و رخدای دروغ ،
 و بیشترین ایشان نه می دانند .

۱۰۴- و چون گویند ایشانرا ، بیای بدانچ فرستادست خدای تعالی و ر
 رسول ، گفتندی کافران : بسندست ما را انچ یافتیم ماوران پدران ما ، اگر
 چه بودند پدران ایشان کی نمی دانستند چیزی از دین و نبودند راه یافتگان .

۱۰۵- ای کسانی که مومنانید و ر شما باد کی نگاه‌داری تنها خویش ، زیان نکند شمارا گم‌راهی ان کس چون گم‌راه شدست چون راه یافته باشی؛ و اخدای است [۹۴] مرجع شما بجمله ، اگاه کند شمارا بدانچ شماکنید.

۱۰۶- ای کسانی کی مومنانید گواهی دهی میان شما چون حاضراید یکی را از شما مرگ ، وقت وصیت دومرد خداوندان عدل از شما یاد دیگران از جز شما اگر شما سفر کنی در زمین برسد شمارا مصیبتی از مرگ و اداری ان دومرد را از پس نماز دیگر سوگند خوردند ان دوتن بخدای اگر درشکی شما که نمی‌خریم مابدان بهاء و اگر چه بود ان مرد خویشاوند و نکتیم پنهان گواهی کی نزد ماست خدای را ، که ما چون از خلاف این گوئیم .

۱۰۷- اگر مطلع گردند و رخیانت دوتن بزه، دیگران زاویای مرده ، و رخیزند بایستند مقام ان دوتن از ان کسانی که تهمت کردند و رایشان اولیان سوگند خوردند هر دو بخدای تعالی که شهادت ماراست است از شهادت ان دوتن و درنگلریم زحد ما که ما چون از جمله ظالمان باشیم .

۱۰۸- این وصایت اولی ترکی بیاینده بگواهی و روجه شهادت یابترسند زانک رد کنند سوگندشان پس سوگندایشان ، و بترسید از خدای تعالی و بشنوید، و خدای تعالی نماید راه گروه فاسقان .

۱۰۹- ان روز که گرد کند خدای تعالی پیغامبران را گوید ایشانرا چه کردند اجابت شمارا ؟ گویند کی نیست علم مارا ز هول قیامت ، که توتوی داننده غیبا .

۱۱۰- چون گفت خدای تعالی : ای عیسی پسر مریم را یاد کن نعمت من و ر خویشتن و رمادرت چون قوت دادم ترا بجبریل ، سخن گفتی تو و ا مردمان در چهل روزگی در کنار مادر و برسالت در کهلویت ، و چون اموختم ترا یا عیسی کتاب انجیل و حکمت و توریت و انجیل ، و چون کردی صورت

از گل مانند مرغ بامرمن و در دمیدی اندر ان گردید مرغی بامر من و پیرید وبری کردی نابینا مادرزاد و پیس مادرزاد بامرمن و چون [۹۵] بیرون آری مرده را بامرمن و چون بازداشتم جهودان را از تو چون بیامدی بایشان بحجتها ، گفتند ان کسانی ک کافر شدند ازیشان نیست این مگر جادوی روشن .

۱۱- و چون الها [م] دادم باحواریان ک ایمان آری بمن و برسول من ، گفتند : ایمان آوردیم ، و گواه باش ک مامسلمانیم .

۱۱۲- چون گفتند حواریان : ای عیسی پسر مریم تواند خدای تو ک بفرستد ورما مایده از اسمان ؟ گفت عیسی : بترسید از خدای اگر شما گروندگان .

۱۱۳- گفتند حواریان: خواهیم ک بخوریم از ان مایده و بیار آمد دلهاما و بدانیم ک حقیقت راست می گوی تو مارا و باشیم وران از گواهی دهندگان .

۱۱۴- گفت عیسی پسر مریم: خدای ما فریدگار مابفرست ورما مایده از اسمان تا بود مارا عیدی اول مارا و آخر مارا و ایتی بود از تو ، و روزی ده مارا و توی بهترین روزی دهندگان .

۱۱۵- گفت خدای تعالی : ک من بفرستم مایده ور شما هر ک کافر شود پس مایده از شما ، ک من عذاب کنم اورا عذاب کردنی که عذاب نکرده باشم هیچ کس را از جهانیان .

۱۱۶- و چون گفت خدای : ای عیسی پسر مریم ک تو گفتی مردمان را کی گیری مرا و مادر مرا بخدای از دون خدای ، گفت عیسی : پاکي تو و منزه انک باشد مرا کی گویم انچ نیست مراسمزوار ، اگر بودم گفتن ان حقیقت دانی تو ، تودانی انچ زمن آمد و نه دانم من انچ از ذات تواید ، ک توی تو داننده غیبا .

۱۱۷- نه گفتم ایشانرا مگر انج فرمودی مرا بدان کپرستید خدای را
 افریدگار من و افریدگار شما ، و بودم من و ایشان گواه تامادام درمیان
 ایشان بودم ، چون قبض کردی مرا تو بودی تو نگاه دار و ایشان ، و توی ور
 همه چیزی گواه .

۱۱۸- اگر عذاب کنی ایشانرا ایشان بندگان تواند و اگر بیامرزی ایشانرا
 که توی تو عزیز کننده و درست کار .

۱۱۹- گفت خدای تعالی : این ان روزست کی سود دارد راست گوین را
 راستی ایشان ، ایشانراست بهشتهاء کمی رود از زیران جویها جاوید باشند
 درانجا همیشه ، راضی بود خدای تعالی از ایشان و راضی باشند ایشان از
 خداه این همه کرامتی است بزرگد .

۱۲۰- خدای راست پادشاهی آسمانها و زمین وانج اندر میان است و
 اوست و رهمه چیزی توانا .

سورة الانعام مائة وستون ایت

بنام خداوند روزی ده بخشاینده

- ۱- سپاس منتّ خدای را ان خدای کی بیافرید هفت آسمان وزمین و کرد تاریکی شب و روشنای روز ، پس کسانی که کافر شدند بخداوند خویش مشرکانند .
- ۲- اوست ان خدای که بیافرید شمارا از گلی ادم ، پس کرد دنیا را اجلی تا بقنا و آخر ترا اجلی نام زده بنزدیک خدای ، پس شما مکینان شك می کنید .
- ۳- و اوست خدای اندر هفت آسمان و اندر زمین می داند نهان شما و اشکارا شما و می داند آنچه می کنید شما .
- ۴- و نیامد بایشان هیچ ایتی از ایتها خداوندشان مگر بودند از ان برگردیدگان .
- ۵- حقیقت بدروغ داشتند محمد را چون آمد بدیشان ، زود بود که اید بایشان خبر انک بودند بدان استهزا کنندگان .
- ۶- نینند ایشان کی چند هلاک کردیم از پیش ایشان از قرنها داده بودیم ایشانرا اندر زمین انک نداده بودیم شمارا ؟ و بفرستادیم ما از آسمان و ایشان بارانی و برانندیم جویها می رود از زیر ایشان پس هلاک کردیم ما ایشانرا بگناهشان و بیافریدیم ما از پس ایشان گروهی دیگر .
- ۷- و اگر بفرستادیم ورتویا محمد کتابی اندر قرطاسی با ایشان

برمجیدندی بدست‌های ایشان [۹۷] گفتندی که آنها که کافر شدند : نیست این مگر جادوی روشن .

۸- وگویند کافران، که چرا نفرستاد ورمحمد فریشته؟ و خدای گفت : اگر بفرستادمی فریشته، اجابت نکردندی هلاک‌شدندی پس ندهند مهلت‌شان .
۹- و اگر کردیم اورا فریشته، کردیمی ان فریشته صورت مردی بیوشیدمی و ریشان انچ بیوشندشان .

۱- وحقا که استهزا کنند بیفامبران از پیش تو یامحمد فرو آمد بانها که کی سخریت کردند ازیشان انک بودند بدان استهزا کنندگان .

۱۱- بگویامحمد : بروید اندر زمین پس بنگرید کی چگونه بود سرانجام دروغ‌دارندگان .

۱۲- بگویامحمد کی کراست انچ در اسمانهاست و در زمین ؟ بگویامحمد خدای راست ، واجب کرد و رخواستن رحمت کردن مومنان گرد کند شمارا باروز قیامت نیست شکی دران . انها که زیان کردند تنهای خویش ایشان نیارند ایمان .

۱۳- واو راست انچ بیارآمد و جنبد اندر شب و روز و اوست اشنوا و دانا .

۱۴- بگویامحمد : بجز خدای تعالی گیرم خدای دیگر و خدای افریدگار اسمانها و زمین است و اوست کی روزی دهد و ندهد کسی اورا روزی .
بگویامحمد : که مرا فرمودند که باشم اول کسی از مسلمانان و مه‌باش یامحمد از مشرکان .

۱۵- بگویامحمد : که من ترسم که عاصی شدم خداوند خویش عذابان روز بزرگ .

۱۶- هر که ورگردد ازو ان روز، حقیقت رحمت بود اورا ، وان نجاتی

روشن است .

۱۷- واگر رسد ترا یا محمد از خدای بیماری ، وادارنده نیست اورا مگر خدای واگر رساند ترا یا محمد خیری ، اوست که ور همه چیزی تواناست .

۱۸- واوست قهرکننده ورافراز بندگان خویش واوست درست کار

اگاه .

۱۹- بگویا محمد: کی چه چیز است کی بزرگترست شهادة او؟ بگویا محمد: خدای است گواهی او میان من و میان شما و وحی فرستادند و رمن این قران را تابترسانم شمار ابدان و هر ک نرسد. آسمای کی گواهی دهی کی واخدای تعالی خدای دیگر است . بگویا محمد : ندهم من [۹۸] گواهی ورنیکی شما . بگویا محمد : از بهر انک اوست خدای یکی و من کی محمدا م بیزارم از نچ شر که اوری شما .

۲۰- ان کسها که دادیم شان کتاب می شناسند محمد را چنانک می شناسند پسران خویش را ان کسها که زیان کارند تنهای خویش را ایشان نیارند ایمان .
۲۱- وکیست ستم کارتر از انک گوید و رخدای تعالی دروغی یا بدروغ دارد ایتها خدای ؟ که اونیاود فلیح کی ستم کنندگانند .

۲۲- وان روز که حشر کنیم شان بجمله پس گویم آنها را که مشرکانند کجا اندبتان شما انکسها کی شما می دروغ گفتی ؟

۲۳- پس نه باشد عذر ایشان مگر که گویند بخدای خداوند ما که نبودیم مامشرکان .

۲۴- بنگر کی چگونه دروغ گویند و رتنهای خویش و مشغول شد از ایشان انک بودند دروغ گویندگان .

۲۵- وازیشان کس است کی گوش دارد بتویا محمد و کردیم ما وردلها

شان پوششی تا در نیاوندقران را واندرگوشها ایشان کُری ، واگر بیسند
هرایتی نیارند ایمان بدان تاچون بیایند بتویامحمد خصومت کنند باتوگویند
کسانی که کافر شدند: نیست این مگرافسانه گفتن پیشینگان .

۲۶- وایشان می‌نهی کنند زیشان ونهی کنند دیگران را واگر هلاک نکنند
مگر تنها، خویش ونه می‌دانند .

۲۷- واگر ببینی یامحمد چون بدارندشان وراتش دوزخ گویند: کاشکی
مارا وادنیابرندی تابدروغ نداشتیمی ایتها خداوند ماوبودیمی از مومنان
۲۸- بل که پدید آمد ایشان انج ایشان پنهان کردند ازپیش واگر وابرندی
ایشانرا وادنیا واکفر گردند انج نهی می‌کنند ازان وایشان دروغ‌زنند دران .

۲۹- وگفتند: نیست این مگر زندگانی این جهان ومارا ورنه انگیزند .

۳۰- واگر توینی یامحمد چون بدارندشان ورخداوندشان، گوید
خدای ا: نیست این براستی؟ گویند ایشان: اری حق است و خداوندا،
گوید خدای: بچشید [۹۹] شما عذاب رابدانچ بودی کافرشدگان .

۳۱- حقیقت زیان کردند ان کسانی کی بدروغ داشتند بدیدن خدای
را تاچون اید بایشان قیامت ناگاه گویند ان روز: ای پشیمانیا ورائچ ضایع
کردیم دردنیا وایشان ورگرفته باشند عقوبت گناهان خویش ورپشت ایشان
بود ، ابد بارست انچ عقوبت گناهانشانست .

۳۲- ونیست زندگانی این جهان مگر بازی ولهو وسرای ان جهان بهتر
است مرانها که پرخیزند . می‌درنیاوند سخن خدای تعالی .

۳۳- حقیقت می‌دانیم ما که اندوهگن کنند ترا یامحمدانک می‌گویند ایشان
بذروغ زن ندارند ترا یامحمد ولکن ستم کارند بایتها خدای جحدکنان اند .

۳۴- وحقاکی بدروغ داشتند پیغامبران که ازپیش تو بردند وصبر کردند
ورانچ دروغ گفتند و برنجانیدند تا ناگاه کی آمد ایشانرا نصرت ماونیست

- گرداننده کلمات خدای تعالی ، وحقا که آمد بتو ازخبرپیغامبران .
- ۳۵- و اگر بود گران ورتو یامحمد اعراض کافران اگر توانی یامحمد که بجوی سوراخی اندرزمین اگر توانی کی ورشوی وراسمان ، بیاری ایشانرا ایتمی . و اگر خواهد خدای تعالی گردارشان ورهدی تو یامحمد میباش از جاهلان .
- ۳۶- ازبهرانک اجابت کند انها را که بشنود وبمیرند ورائگیزندشان خدای تعالی پس واخدای بود مرجع ایشان .
- ۳۷- وگفتند کافران : چرا نفرستد ورپیغامبر ایتمی از خداوندش؟ بگو یامحمد: بدرستی کی خدای توانای است ورائک بفرستد ایتمی و لکن بیشترین ایشان نه می دانند .
- ۳۸- نیست هیچ جمنده، اندرزمین ونه پرنده، کی پرد بپتر خویش که نه خلق واید چون شما ، فرونگداشتیم در کتاب هیچ چیزی پس وا خداوند شان حشر کنند .
- ۳۹- و کسانی که بدروغ داشتند ایتهاء ماکرانی اند وگنگانی اند درگم راهی اند ، هر که خواهد [۱۰۰] خدای تعالی کزراه ببرد وانرا کی خواهد کند اورا وراهی راست .
- ۴۰- بگو یامحمد : نه بینی شما که اید بشما عذاب خدای تعالی یا اید بشما قیامت بجز خدای را خوانی اگر شما راست گویانی ؟
- ۴۱- بل کی خوانی خدای را بنزدیک شدت ، وردارد شدت بدانچ خوانده باشند اورا انکس کی خواهد وفراموش کنی انچ هنبازی گیری .
- ۴۲- وحقا که فرستادیم رسولان بامتانی ازپیش تو وگرفتیم ایشانرا بدرویشی و بیماری تامگرایشان تضرع کنند .
- ۴۳- چرانکردند چون آمد بایشان عذاب ماتضرع ایشان ؟ ولکن سخت

شده بود دلها ایشان و بیاراستست ایشانرا شیطان انچه ایشان می کردند.

۴۴- چون فراموش کردند انچه پند داده بودند بدان بگشادیم و رایشان درهه، همه چیزها تا چون شادی کردند بدانچه داده بودندشان گرفتیم ما ایشانرا ناگاه چون ایشان نااومید شدند .

۴۵- هلاک کردند گروه آن کسها که کافر بودند، و سپاس خدای را افریدگار جهانیان **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** سرمه **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

۴۶- بگویا محمد: نه بینی شما که واگیرد خدای تعالی شنوای شما و بینای شما و مهر نهاد و رد لاهاء شما؟ کیست خدای جز خدای تعالی کی ارد شما را شنوای و بینای بدان؟ بنگریا محمد کی چون می گردانیم ایتها راپس ایشان اعراض کنند .

۴۷- بگویا محمد کی نبینی شما کی اید بشما عذاب خدای تعالی ناگاه یا اشکارا هلاک شود مگر گروه ستم کنندگان؟

۴۸- ونه فرستادیم مارسولان را مگر بشارت دهنده و بیم کننده هر که ایمان ارد و تو حیدارد، نیست بیمی و رایشان ونه ایشان اندوهگن شوند .

۴۹- وان کسانی کی بدروغ داشتند ایتها مارسد ایشانرا عذاب بدانچه بودند بیرون آمده ز امر خدای .

۵۰- بگویا محمد: نه می گویم شما را کی بدست منست خزینه خدای ونه دانم من غیب ونه می گویم شما را کی من فریشته ام که متابعت نکنم من مگر آنچه وحی بود بمن، بگویا محمد که برابر بود کور و ابینا؟ انگیزند [۱۰۱] تفکر کردن؟

۵۱- و بیم کن یا محمد بقران آن کسها که کی بتروند کی حشر کنندشان و اخداوندشان نیست ایشانرا از دون خدای ولیی ونه نیز شفیمی تا مگر

ایشان پرهیزند .

۵۲- و بمران نزدیک خویش ان کسها که می پرستند خدای خویش
بیامدادو شبانگاه و خواهند بدان پرستش خدای را ، نیست ورتو مونت
ایشان هیچ چیزی ونه نیز هست مونت توور ایشان چیزی بمران ایشانرا
کی باشی ازظالمان .

وقف کتابخانه مدرسه فیضیه قم

۵۳- وهم چنین بلا فرستادیم و ربرخی شریفان بیرخی دیگر تا گفتند
شریفان این گروهائند کی منت نهادخدای وریشان از میان ما ؟ اینست
خدای تعالی دانا بشکر کنندگان ؟

۵۴- و چون بتو آیند ان کسها که بگروند بایتهامابگویامحمد سلامت است
ورشما واجب کرد خداوند شما ورذات خودکی رحمت کند ورشما ، هر
کس کی کند کاری از شما بد بنادانی پس توبه کند از پس ان واصلاح اید که
خدای تعالی امرزنده وبخشاینده است .

۵۵- وهم چنین خدای پدید می کند ایتهها وتاظاهر گردد راه کافران .

۵۶- بگویامحمد که مرانهی کردند که پرستم ان کسانی که می خوانی شما
از جز خدای تعالی ، بگویامحمد کی نباشم تبع هواء شما حقیقت بی راه گردم
چون گم راه ، ونباشم من از راه یافتگان .

۵۷- بگویامحمد : که من ور جحتی ام از خداوند خویش وبدروغ می داری
شما بدان ، نیست بدست من عذاب می شتاب کنی بدان که حکم کند مگر
خدای تعالی قضا کند بحق واوست بهترین حکم کنندگان .

۵۸- بگویامحمد : اگر بدست من بدی عذاب کی شتاب می کنی بدان ،
هلاک شدندی بامریان من ومیان شما ، و خدای تعالی داناست بظالمان .

۵۹- ونزدیک اوست کلیدغیب کس نداند غیب مگر خدای تعالی وداند
هرچ اندر بیابان ودریاست ، و بنیوفتد هیچ برگی از درخت مگر کی داند

خدای انرا ونیست دانه در تاریکی زمین ونه هیچ تری ونه هیچ خشکی مگر در لوح محفوظ [۱۰۲] روشن .

۶۰- واوست ان خدای که بمیراند شمارا بشب وداند انچ کنی شماروز پس رد کند روح شمار در قیامت تا تمام کند اجلی که نام زده است ، پس بااوست مرجع شما پس اگاه کند شمارا بدانچ شما کنید .

۶۱- واوست قهر کننده وربندگان خویش وبفرستد ور شما نگاه بانانی یعنی فریشته تا چون ایدیکی را از شما مرگ قبض کند روح شمارا ملك الموت وایشان نکنند تقصیر .

۶۲- پس وابرندایشایرا واخدای تعالی خداوندایشان بر راستی ، آاو راست حکم واوست زود شمار کننده .

۶۳- بگویامحمد کیست که برهاند شمارا از تاریکیها بیابان ودریابخوانی خدای را بزاری وپنهان ؟ اگر تو خدای برهانی مارا از این هولها ، باشیم ما از جمله شکر کنندگان .

۶۴- بگویامحمد : خدای برهاند شمارا زهولها واز همه اندوهی پس شما شرک ارندگانی .

۶۵- بگویامحمد : کی خدای تعالی قادرست وراں که بفرستد ور شما عذابی زور سر شما یا از زیر پایها شما یا کند شمارا گروه گروه وبچشانند برخی از شما شدت برخی بنگر یامحمد کی چگونه گردانیم ما ایتها تا مگر ایشان دریابوند .

۶۶- وبدروغزن داشتند قران را قوم تو وان حق است بگویامحمد که نیستم ور شما نگاه بان .

۶۷- هر قولی را حقیقتی است وزود بود که بدانند .

۶۸- وچون بینی یامحمد ان کسها که ایشان خوض کنند در ایتها .

اعراض کن از ایشان تا نگاه که شوند در حدیثی دیگر و اما زیاد ببرد ترا شیطان
بمه نشین پس یادداشتن و اگر وه ظالمان .

۶۹- نیست وز آنها که پرهیز کارند از حساب ایشان هیچ چیزی ولكن
یادکن تا (۱) مگر ایشان پرخیزند .

۷۰- دست بدار از ان کسانی که گیرند دین خویش بیزی و طرب و غتره
کند ایشانرا زندگانی این جهان [۱۰۳]. و ایاد ده ایشانرا بدان که گروگانست
هرتنی بدانچ کردست نیست ان تن را از دون خدای تعالی دوستی و نه شفیمی
که شفاعت کند . و اگر فدا تن خویش کند همه فداها نه پذیرند از ایشانند
ان کسها که گرو کردستند تنها بدانچ کرده اند ایشانرا بود شرابی از اب گرم
و عذابی دردناک بدانچ بودند کافرشدگان .

۷۱- گبو یا محمد که نپرستیم از دون خدای تعالی انرا کی نکند منفعتی
مارا و نه مضرتی مارا و اگر دیم و رکفر ما پس زانک راه نمودست مارا خدای
تعالی هم چنان کسی کی راه برده بود اورا شیطان اندر زمین متحیر مانده
بود . اورا اصحاب بود کی و خوانند اورا و راه راست طاعت داد ما بگو
یا محمد که دین خدای تعالی انست هدایت . و فرمودند مارا بدین اسلام مر
افریدگار جهانیان .

۷۲- و اگر بپای دارند نمازرا و بترسند از خدای اوست ان خدای که
واو حشر کنند .

۷۳- و اوست ان خدای کی بیافرید اسمانها و زمین براستی وان روز
کی خدای تعالی گوید قیامت را که بیاش بیاشد . قول خدای تعالی حق است
و اوراست پادشاهی ان روز کی دردمند اندر صور دانا غیبا و انچ حاضرست
و اوست درست کار و آگاه .

- ۷۴- و چون گفت ابرهیم مر پدر خویش را از رمی گیری بتانی را بخدای؟
 ک من بینم ترا و قوم ترا اندر گم راهی روشن .
- ۷۵- وهم چنین نمودیم ما ابرهیم را پادشاهی هفت آسمان و زمین و تابود
 از بی گمانان .
- ۷۶- چون آمد و ابرهیم شب بدید ابرهیم ستاره را گفت : این خدای
 منست . چون فرو شد ستاره گفت ابرهیم : من دوست ندارم انرا کی رود و آید .
- ۷۷- چون بدید ابرهیم ماه را که بر آمد گفت اینست خدای من چون فرو شد
 گفت : اگر نماید راه مرا خدای من باشم من از گروه گم راهان .
- ۷۸- چون بدید افتاب را که بر آمد گفت ابرهیم : اینست خدای من ، این
 بزرگترست . چون فرو شد گفت : [۱ . ۴] ای قوم که من بیزارم از انچ شما
 هنباز گیری .
- ۷۹- که من روی خویش بگردانیدم مران خدای کی بیافرید آسمانها و
 زمین مسلمانی ام و نیستم ما از جمله مشرکان .
- ۸۰- و خصومت کردند قوم ابرهیم ، گفت ابرهیم : می خصومت کنی
 و امن در دین خدای و حقیقت راه نمودست مرا ؟ و نه ترسم من از انچ شما
 هنباز گیری بدان خدای را مگر که خواهد خدای من بمن چیزی ، دهد خدای
 من همه چیزی را علمی . آنگیزی شما پند ؟
- ۸۱- و چگونه ترسم من انچ شما پرستی بتان را و نه ترسی شما از خدای
 من که شما شرک اری بخدای تعالی نه فرستادست خدای شرک و شما حاجتی؟
 گفت ابرهیم : ما اولی تریم سزاوار [ر] تر بامن اگر شما بدانید .
- ۸۲- ان کسانی که مومنانند و نه امیختند ایمان خویش بشرک ایشانند
 کی ایشان راست امن روز قیامت و ایشان راه یافتگانند .
- ۸۳- و اینست حجت ماکی بدادیم انرا با برهیم و رقوم او ، و رد داریم

- درجت ان کس کی خواهیم . بدرستی کی خدای تودرست کارست ودانا.
- ۸۴- وبدادیم ما ابرهیم را اسحق و یعقوب همه راه راه نمودیم ، و نوح را هدایت دادیم از پیش و از ذریت ابرهیم داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون ، و هم چنین جزا دهیم ، نیکوکاران را .
- ۸۵- و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس همه از پیغامبران بودند .
- ۸۶- و اسماعیل و یسع و یونس و لوط ، و همه را فضله دادیم و رجحانیان .
- ۸۷- و از پدران ایشان و فرزندان ایشان و برادران ایشان و رگزیدیم ایشانرا و راه نمودیم ایشان باراهی راست .
- ۸۸- اینست هدی خدای تعالی راه نماید بدان انرا که خواهد از بندگان خویش ، و اگر شرک آرند باطل گردد از ایشان آنچه بودند کننده ان .
- ۸۹- ایشانندان کسها که بدادیم ایشانرا کتاب [۱۰۵] و حکمت و پیغامبری اگر کافر شوند بدان مکینان حقیقت توفیق دادیم ما بدان قوم مدینه کی نیستند بدان کافرشدگان .
- ۹۰- ایشانندان کسها که هدایت خدای تعالی ، بسیرت ایشان اقتداکن . بگویامحمد که نمی خواهیم من و پیغامبری مزدی . نیست محمد مگر پیغامبری مرجحانیان را .
- ۹۱- و بنه شناختند خدای راسزای شناختن او ، چون جهودان گفتند که نه فرستاد خدای تعالی و رهیب آدمی چیزی بگویامحمد که : بفرستاد تورتیت انک بیاورد انرا موسی بیانی و راه نمونی مردمانرا کردی شما کی جهودانی انرا پاره پاره برخی پدید کردی و بپوشانیدی بسیاری ، اموختند شما را آنچه نه دانستی شما و نه پدران شما بگویامحمد : کی خدای پس دست بدارشان تادر باطل می باشند سرگردان .
- ۹۲- و این قران که ما فرستادیم مبارکست موافق انک که بیش ازین

فرستاد یعنی توریت تا تو بیم کنی اهل مکه را و هر که گردواگرد مکه است. و آن کسانی که ایمان آوردند با خرت ایمان آرند بدان و ایشان و نمازشان نگاهبان باشند.

۹۲- و کیست ظالم تر از آنک دروغ گوید و رخدای دروغ گفتنی یا از آنک گوید وحی آمد بمن و نیامد وحی با او چیزی چون مسیلمه کذاب و آنک گفت کی فر فرستم چنانک می فرستد خدای تعالی . و اگر بینی یا محمد چون ظالمان اندر سختی مرگ باشند و فریشتگان گسترانیده باشند دستها خویش و می گویند بدهی جانها تان را ، و می گویند امروز جزا دهند شمارا عذاب سخت بدانچ شما می گفتی و رخدای تعالی بناحق و شما بودی از ایات او گردن کشیدگان .

۹۴- و حقا که بیای شما قیامت تنها چنانک افریدم شمارا نخست بارو دست بداشتی انچ دادیم ما شمارا و ا پس پشت افکندی شما و نه بینیم ما و شما شفیعیان تان را ان شفیعیانی که گفتی ایشان از شما شریک خدای اند . حقا که بریده اند میان شما و گم شود از شما [۱۰۶] انچ می گفتی و می سگالیدی .

۹۵- بدرستی کی خدای افریدگار دانه است و خرما . بیرون ارد زنده از مرده و بیرون ارد مرده از زنده ان که خدای است از کجا دروغ می گویند؟

۹۶- خدای افریدگار صبح است و افریدگار است شب را بارام دادن و افریدگار آفتاب و ماه تاب است که می روند بشمارای معلوم ، ان تدبیر خدای است عزیزکننده و دانا .

۹۷- و اوست ان خدای کی کرد شمارا ستارگان تاراه یاوی بدان اندر تاریکی بیابان و دریا . حقیقت پدید کردیم ماعلامتها مرگروهی را که بدانند .

۹۸- و اوست ان خدای کی بیافرید شمارا از نفسی یگانه یعنی ادم و قرارداد شمارا در پشت مردان و در رحم ، حقیقت پدید کردیم ماعلامتها

هر گروهی کنی دریاوند .

۹۹- واوست ان خدای کی بفرستاد از اسمان ابی برویانیم مابدان اب نبات هر چیزی برویانیم ما از ان سبزی بیرون ارم از ان دانه شاخها و از درخت خرما از شکوفها ان شاخها نزدیک شما و بوستانها، از انگور و زیتون و هنار مانده یک دیگر بلون و نبود مانده یک دیگر بطعم ، بنگرید بمیوهاء ان چون و ایندد و بیزد . بدرستی ک دران علامتهاست گروهی راکی ایمان ارند .

۱۰۰- و کردند مخالفان مرخدای راهن باز دیو و خدای افریده بود ایشانرا و دروغ گفتند خدای را پسر و دختر وی (۱) حجتی ، پاک است خدای و بزرگوار از انچ صفت کند مشرکان .

۱۰۱- افریدگار اسمانها و زمین ، از کجا باشد خدای را فرزندى و نه باشد او را زنى ؟ و افریدگار هر چیزی و اوست بهمه چیزی دانا .

۱۰۲- ان خدای خدای شماست ک نیست خدای مگراو ، افریدگار هر چیزی ، پرستید او را . و اوست و رهمه چیزی نگاهبان .

۱۰۳- در نیاد او را چشمها در دنیا ، و اوست می بیند خلق زانه بچشم ، و اوست مهربانست و آگاه .

۱۰۴- حقیقت امد بشما قران از خدای شما ، هر ک ایمان ارد ثواب او را بود ، و هر ک کافر شود عقوبت و راوست ، و بگویا محمد نیستم و ر شما نگاهبان .

۱۰۵- و هم چنین [۱۰۸] می گردانیم ایتها را بدلیل ، تا گویند ک اودرس کند و رکس ، و پدیدار کنیم گروهی را ک بدانند .

۱۰۶- کارکن بدانج وحی آوردند بتو یا محمد از خدای تو ، نیست خدای مگراو ، و برگرد از مشرکان .

۱۰۷- و اگر خواهد خدای نیارند ایشان شرک و نکردیم ماترا یا محمد و ایشان نگاه بانی . ونه ی تو یا محمد و ایشان مسلطی .

۱۰۸- ومدھی دشنام ان کسانی که می پرستند از دون خدای تعالی کی دشنام دهند خدای را بظلم بی دانشی ، هم چنین بیاراستیم ماهرامتی را عمل ایشان ، پس واخدای شان بود مرجع ایشان ، آگاه کند ایشانرا بدانج ایشان می کردند .

۱۰۹- و سوگند خوردند بخدای تعالی سختترین سوگندشان ، اگر اید بایشان ای بی ایمان ارند بدان ، بگو یا محمد از بهر آنکه اینها بنزدیک خدای است ، وجه دانی یا محمد که ان اینها چون بیاید بایشان نیارند ایمان .

۱۱۰- و برگردانیدیم مادلها، ایشان و چشمهء ایشان چنانکه نیاروند ایمان باینها نخست بار ، و دست بداریم ایشانرا اندر گم راهی ایشان کور شدگانند .

۱۱۱- و اگر ما بقرستیم بایشان فریشتگان و بسخن آریم با ایشان مردگانرا و حشر کنیم ماورایشان هر چیزی ، نه باشند گردندگان . مگر آنکه خواهد خدای ولكن بیشترین ایشان جاهلانند .

۱۱۲- وهم چنین کردیم ما هر پیغامبری را عدوی دیو و ادمی و پری ، می فرمایند برخی زیشان بابرخی فریونده گفتار فریونده . و اگر خواستی خدای تو یا محمد نکردندی انرا ، بگذار کافران را وانج می گویند دروغ .

۱۱۳- و میل کند زان دلها غرورانها که نیارند ایمان باختر و تاراضی شند بدان و کسب کنند بدانج ایشان کسب کردگانند .

۱۱۴- بگو یا محمد بجز خدای تعالی جویم خدای دیگر را ؟ واوست ان

خدا کی بفرستاد بشما کتاب پدید کرده ، و کسانی که دادیم ایشانرا کتاب می دانند کی قران فرستاده است از خدای توبراستی ، مه باش یا محمد از شکاکان .

۱۱۵- [۱.۸] تمام بیدکلمات خدای توبراستی وعدل، نیست گردانیده کلمات خدای را ، واوست اشناودانا .

۱۱۶- واگر توکی محمدی طاعت داری بیشترین اهل زمین زمشرکان، ورگرداند ترا از دین خدای تعالی ، کار نکنند مشرکان مگر بگمان ونه اند ایشان مگردوغزنان .

۱۱۷- بدرستی کی خدای تو اوست کی داند هر که گم شود از دین او ، واوست دانا براه یافتگان .

۱۱۸- بخورید از آنچه یاد کرده باشند نام خدای تعالی در کشتن ان ، اگر شما هستی بایات خدای گرویدگان .

۱۱۹- وچه بودست شمارا که می نخوری آنچه یاد کردست نام خدای تعالی ورکشتن او ؟ وحقیقت پدید کرد شمارا آنچه حرامست ورشما مگر آنچه اضطرار کردی وران ، وبدرستی که بسیاری زکافران از راه بشنوند بهوای خویش وی دانش ، بدرستی کی خدای تو یا محمد اوست داند از حد گذرندگان .

۱۲۰- ودست بداری زظاهر زنا کردن وباطن ان ، بدرستی کی ان کسها کی کنند زنا زود جزا دهندشان بدانچ ایشان کرده باشند .

۱۲۱- ومه خوری از آنچه یاد کرده باشند نام خدای در کشتن او که ان حرامست ، وبدرستی که دیوان می بفرمایند متابعان خویش را خصومت کنند واشما ، واگر فرمان بری دیوان را که شما مشرک باشی .

۱۲۲- ان کس کی بود دل اومرده زنده کنیم ما اورا روشنای تامی رود

بدان اندر مردمان هم چنان بود کی کسی وی راه بود در تاریکی نیاید بیرون از آنجا ، هم چنین بیاراسته اند مرکافران را انج ایشان می کنند .

۱۲۲- وهم چنین در هر شهری مهتران را تاکنند فساد در آن شهر ، و نه کردنان فساد یعنی مکر بتنهاء خویش و نه داند .

۱۲۴- و چون بیامدی باهل مکه ایتی گفتندی : ما نیاریم ایمان تا آنگاه کی بدهند ما را مثل انج دادند رسولان خدای تعالی را ، خدای است که داند کی کجا نهد رسالت خویش ، زود رسدان کسانی را که جرم کردند خواری بنزدیک خدای تعالی و عذابی سخت بدانج بودند معصیت کنندگان .

۱۲۵- [۱۰۹] هر ان کس کی خواهد خدای کی نماید راه و آگشاید دل او را مر مسلمانی ، و هر کس کی خواهد که گم راه کند ، کند دل او را تنگ بیزه ، هم چنانک کی کوی بپزداند در آسمان ، هم چنین کند خدای تعالی تکدیر و ران کسها که نیارند ایمان .

۱۲۶- و این راه خدای تورا است ، حقیقت پدید کردیم ما ایتها مر گروهی را کی پند گیرند .

۱۲۷- ایشانرا است سرای بهشت باسلامت بنزدیک خداوندشان ، و او ولی ایشانست بدانج ایشان می کنند .

۱۲۸- وان روز کی حشر کنیم ایشانرا بجمله گویم : ای جماعت پریان ، شما بسیاری از راه بپردی ادمیان را ، گفتند : متابعان ایشان از ادمیان بار خدای ما منفعت گرفتیم برخی ز برخی و برسیدیم ما بوقت خویش انک وقت داده بودی ما را ، گفت خدای : که آتش دوزخ ماوای شما است جاوید باشند در آنجا مگر انک خواهد خدای تو ، بدرستی کی خدای توحکیم است و دانا .

۱۲۹- وهم چنین مسلط کنیم ما برخی را از ظالمان برخی بدانج ایشان

کرده باشند .

۱۳۰- ای جماعت پریان و آدمی ، نه آمد بشمارسولان از شما ورخواندند و شما ایات من و بیم کردند شما را بدیدن روز قیامت شما را این ؟ گفتند: گواهی دهیم ما ورتن خویشمان ، وبفریفت ایشانرا زندگانی این جهان و گواهی دهند ورتن خویش کایشان بودند کافرشدگان .

۱۳۱- ان بدان بُد که نکرد بدخدای تو اهل هیچ شهر بظلم و اهل ان غافل بودند .

۱۳۲- و هر کسی از مومنان در جاتست از انچ کردند ، ونیست خدای تو غافل از انچ می کنند .

۱۳۳- و خدای تو یامحمد بی نیازست خداوند رحمتست . اگر خواهد هلاک کند شما را و بیافریند خلقی از پس شما که خواهد چنانک بیافرید شما را از ذریت گروهی دیگر .

۱۳۴- از بهر انک وعده کرده اند شما را و نتوانی شما قوت کردن .

۱۳۵- بگویامحمد ، ای قوم کارکنی و رجایگاهها خویشتان که من کار کنم و هلاکت شما زود بود که بدانید هر که باشد او را سرانجام [۱۱۰] سرای بهشت که خدای رستگاری ندهد ظالمان را .

۱۳۶- و کردند خدای تعالی را از انچ افریده بود از کشت و از چهار پایان نصیبی . گویند این خدای راست بدروغ ایشان و این بتان ما راست ، نه بود مرتبان ایشانرا و نرسیدندی با خدای تعالی و نه بود مر خدای را انچ بتان را بود ، اوست که بابتان خویش دادندی ، بدست ان حکم ایشان .

۱۳۷- و هم چنین ار استهاند بسیاری از مشرکان تادرگور کردندنی فرزندان خویش را زنده تا مشرکان ایشانرا هلاک کنند و بپوشید و ایشان دین پدرشان . و اگر خواستی خدای تعالی نه کردندنی ان ، بگدار ایشانرا و

انچ می گویند از دروغ .

۱۳۸- وگفتند کافران : این چهارپایان و این کشت حرامست نخورد از ان مگر انک خواهیم ما بدروغ ایشان ، و چهارپایانی اند که حرام است بنشت ایشان یعنی شش و چهار پایانی اندکی نکنند یادنام خدای تعالی و راو چون سایبه ، دروغ گفتند و رخدای تعالی . زود جزا شان دهند بدانچ بودند دروغ گویندگان .

۱۳۹- وگفتند : انچ در شکم این چهارپایانست حلالست مردان مارا و حرامست و رزنان ما . و اگر باشد ان بچه مرده ایشان در ان شریک اندز خوردن ان ، زود جزا دهد ایشانرا و ر کردارشان که خدای حکیم است و دانا .

۱۴۰- حقیقت زیان کار بودند انکسانی که کی درگور کردند دخترانشان زنده بنادانی بی علمی و حرام کردند بدانچ روزی کرد ایشانرا خدای، دروغ گفتند و رخدای . حقیقت گم شدند و نه بودند راه یافتگان .

۱۴۱- و اوست ان خدای کی بیافرید بوستانها کشته و ناکشته و درو درختان خرما و کشت مختلف خوردن ان . و بیافرید درخت زیتون و درخت هنار مانده یک دیگر و نامانده یک دیگر . بخورید از میوهاء ان چون رسد میوه و بدهی حق ان یعنی ده یک ان روز که بدروی و مه کنی اسراف کی خدای دوست ندارد اسراف کنندگان .

۱۴۲- و از چهارپایان اند که بارکشند و برخی کی بارنکشند . بخورید از انچ روزی کرد شمارا خدای تعالی و مکنی کار بترین شیطان کی دیو شما را دشمنی [۱۱۱] روشن است .

۱۴۳- بیافریدست هشت جفت از میش دو و از بز دو . بگویا محمد ! این دوزحرام بگردیان دوماده یا ان اب کی در رحم ان دوماده بود ؟ آگاه کنی

مرا بحجت اگر شما راست گویانی .

۱۴۴- و بیافرید از شتر دو و از گاف دو ، بگو یا محمد این دو نر حرام کرد یا آن دو ماده یا آن اب که در رحم آن دو ماده است یا شما بودی خاضر چون بفرمود شما را خدای تعالی بتحریم این ؟ کیست ظالم تر از آنکه دروغ گوید و رخدای تعالی دروغ گفتنی تاگم کند مردمان را بنادانی ؟ بدرستی کی خدای نماید راه گروه ظالمانرا .

۱۴۵- بگو یا محمد می نیام در آنچه وحی کردند بمن از حرامی و رخورنده شی خوردن آن مگر آن که باشد مرده یا خونی روان یا گوشت خوکی ، که این چیزها حرامست یا فسق است و آن چیز کی بکشد بی نام خدای بدان . و هر آن کسی که ضرورت بی آنکه ضرر زن نبود و نه عادی . بدرستی کی خدای تو امر زنده و بخشاینده .

۱۴۶- و رجهزدان و ترسایان حرام کردیم ماهر چیزی کی چنگال دارد . و از گاف و شتر حرام کردیم ما و ریشان پیه هر دو و مگر آن پیهی کی پیشت ایشان پیوسته بود یا برودگانی یا آنچه امیخته باشد با استخوانی - زین چیزها عقوبت کردیم ما ایشانرا بظلم شان و ما راست گویانیم .

۱۴۷- اگر بدروغ زن دارند تو ای محمد بگو : خدای شما خداوند رحمتی بسیارست . و ندارند عذاب او از گروه مجرمان .

۱۴۸- زودگویند آن کسانی که شرک دارند اگر خواهد خدای ماهر که نیاریم و نه پدران ما و نه حرام کردیمی ماهیچ چیزی . هم چنین بدروغ زن داشتند آن کسانی که از پیش ایشان بودند تا بچشیدند عذاب ما . بگو یا محمد ، آبتزدیسک شماست هیچ حجتی بیرون آری آنرا ما را که کار نکنی شما مگر بپنداشت و

اگر شما نیستی مگر دروغ گویندگان .

۱۴۹- بگویامحمد : خدای را است حجت بالغ . اگر خواهد خدای راه نماید شما را بجمله [۱۱۲] .

۱۵۰- بگویامحمد ! بیاری گواهان خویش را آن کسانی که گواهی دهند که خدای تعالی حرام کرده است این بچیره را و وصیله ها و سایه را . اگر گواهی دهند مده گواهی و ایشان را ، و مکن کار بهوای آن کسها که بدروغ داشتند ایتها ما . و آن کسها کی نیارند ایمان بروز بازپسین و ایشان بخداوند ایشان مشرک اند .

۱۵۱- بگو یا محمد بیای تا ورخوانم آنچه حرام کرد خداوند شما و شما که هشیارنگیری بخدای چیزی و با مادر و پدر نیکو کنی و مه کشی فرزندان خویش از درویشی کی ما ایم کی روزی دهم شما را و ایشان را . و مه گردی پیرامون زنا کردن آنچه ظاهرست از آن و آنچه باطنست . و مه کشید تنی را که حرام کرد خدای تعالی کی حق آن سه است . اینست که خدای وصیت کند شما را بدان تا مگر شما دریاوی .

۱۵۲- و مه گردی پیرامون مال یتیم مگر بآنک انرا نیکوداری تا انگاه که برسد ببلوغت ، و تمام بکنی کیل را و ترا زورا برآستی . نه فرماییم هیچ تنی مگر بطلاقتش . و چون گوید راست گوید و اگر چه بود خویشاوند . و بعهد خدای تعالی و فاکنی . اینست وصیت شما بدان تا مگر شما پندگیری .

۱۵۳- و اینست دین من دینی راست و متابعت کنی او را و مکنی متابعت راهها که پیرا کنی شما از دین خدای تعالی . اینست شما را وصیت شما بدان تا مگر شما بیرخیزی .

۱۵۴- پس بدادیم ماموسی را توریتم تمامی و رانک نیکوی بود و بیانی بود مر هر چیزی و هدی و رحمتی تا مگر ایشان بدیدن خداوندشان ایمان

ارند .

۱۵۵- و این قرانی است که فرستادیم ما اورا مبارکاست متابعت کنید اورا بترسید تا مگر شما را رحمت کنند .

۱۵۶- تا شما کی کافرانی نگویید که از بهران فرستادند این قران ور جهودان و ترسایان از پیش ما و اگر چه ما بودیم از خواندن ایشان غافل شدگان .

وَقَدْ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْ مِصْرَ مَعَ قَوْمِهِ

۱۵۷- یا گوید اگر زودتر فرستادندی و مرا کتاب بودیمی اجابت کننده [۱۱۳] از ایشان حقیقت آمد بشما قرانی از خداوند شما و راه نمونی است و رحمتی . کیست ظالم تر از آنکه بدروغ دارد ایتها خدای تعالی و برگردد از ان ؟ زود جزا دهیم انها را کی و برگردند از ایتها ماسخت ترین عذاب بدانچ ایشان برگزیده بودند .

۱۵۸- ۶ انتظار می کنند مکیان مگر کی اید بایشان فریشتگان یابایند بامر خدای تو یابایند برخی بیایات خدای تو آن روز که براید برخی یعنی افتاب ایات خدای تو ، ندارد سود کافران را ایمان ان روزنه باشد ایمان آورده از پیش یا کسبی کند در ایمان ان بخیر . بگو یا محمد کی انتظار کنی عذاب را که مانیز انتظار می کنیم عذاب شما .

۱۵۹- بدرستی که ان کسها که مخالف شدند دین ایشانرا و بودند گروهی نیستی تو از ایشان در چیزی . از بهرانک حرب کردند و اخدای تعالی پس آگاه کند ایشانرا بدانچ ایشان می کردند .

۱۶۰- هر که کند نیکوی او راست دهنیکوی ، و هر که کند بدی ندهند جزا مگر هم چندان و ایشان نقصان نکنند .

۱۶۱- بگو یا محمد که مرا ره نمودست خدای من باراهی راست ، دینی راست ملت ابرهیم پاکیزه . و نه بود از مشرکان .

۱۶۲- بگو یا محمد که نماز کردن من و عبادت من و زندگانی من و مرگ من
خدای راست افریدگار جهانیان .

۱۶۳- نیست هنباز خدای را، و بدین فرمودند مرا و من کی محمداً از
مسلمانانم .

۱۶۴- بگو یا محمد بجز خدای تعالی جویم خدای دیگر و اوست افریدگار
همه چیز هاست نکند کار هیچ تنی مگر که او گردد ، و نه گیرند هیچ کسی
بگناه دیگری . پس و اخدای تان است بازگشتن شما آگاه کند شمارا بدانچ شما
اندران خلاف کردید .

۱۶۵- و اوست ان خدای کی کرد شمارا پس دیگران در زمین و رفع تر
کرد بر خنی را ز شما بالای برخی درجت ، تا از مون کند شمارا در انچ دادست
شمارا . بدرستی کی خدای تو یا محمد سخت عقوبتست و خدای است [۱۱۴]
امر زنده و بخشاینده .